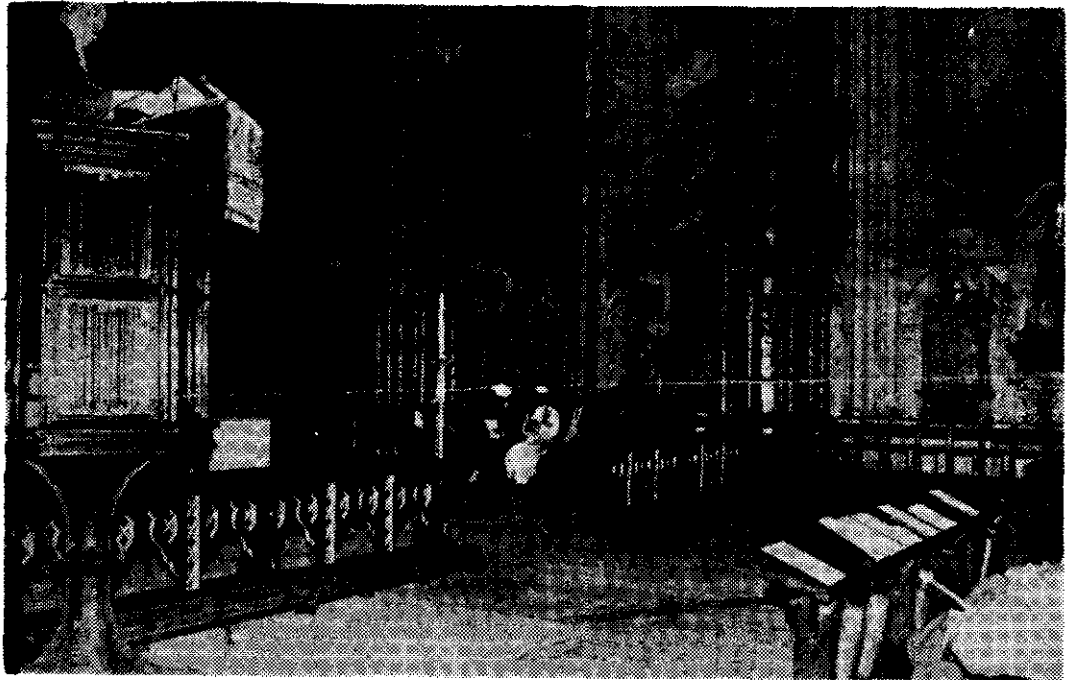
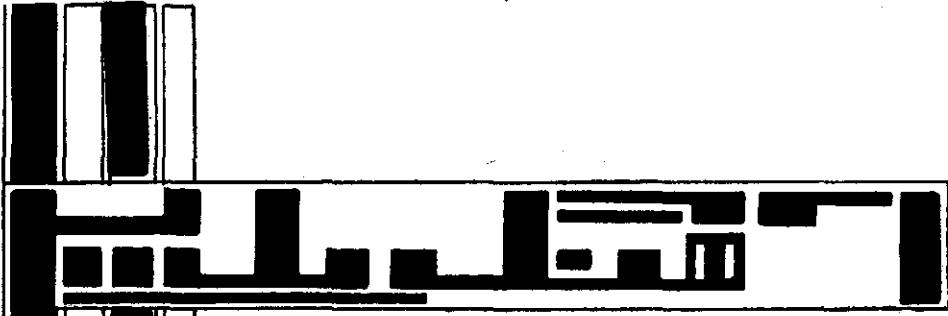


لا اله الا الله

٢٣
١٥ - ١١



1945

1945

1945

1945

اجتہاد قطعی نباید بیچ خربی داخل شوند و در امور سیاسی مداخله نمایند

حضرت عبدالباہ

فہرست مطالب:

۴۳۲	لوح مبارک حضرت عبد البہا
۴۳۳	عالم بہائی در سالی کہ گذشت
۴۳۸	یک روز تاریخی در دانشگاہ استفرد
۴۴۱	وحدت اجتماعی سیاسی اقتصادی
۴۴۵	در کلیسای وست مینسٹر
۴۴۶	غزل (سجدی)
۴۴۷	کلاس درس تبلیغ جناب نعیم
۴۵۰	راہی بکوی دوست (شرح حال دکتر بہرگوا)
۴۵۷	ہندار (شعر)
۴۵۸	گفتگوی با دکتر امین بنائی
۴۶۳	سنت (حدیث)
۴۶۹	سابقہ
۴۷۱	گفت و شنود
۴۷۳	فہرست عمومی
	قسمت نوجوانان

آہنگ بدیع

سال

۲۲

شماره

۱۱ - ۱۲

شماره مسلسل ۲۵۱ و ۲۵۲

عکس پشت جلد :

منظرہ داخلی کلیسای وست مینسٹر

(مربوط بہ مقالہ صفحہ)

شہر السلطان تا شہرہ اہلا ۱۲۴۱ جمع و اسفند ۱۳۴۶

مخصوص جامعہ بہائی است

بسم الله

در قبله ما رحمت الله در این وقت جا آوردی قبر هر کسی در آنجا بود و در آنجا

روح هر طایفه نشین است و استیلا کرده فرصت غنیمت است سعادت زان و در آنجا

وقت زنده و طیف در آن روضه صیقل بخورند و طیف در آنجا

و واضح که بحسب این حکم فاع بشنو صدر که از اول شرح فرموده و در آنجا

حاجه صدیقه و جد شو و غنیمت که از اول فرموده و در آنجا

جانبی از علمای عجمی است و ادب الکریم در آنجا

عالم بهائی در سال که گذشت

ع. صادقیان

در این ایام که سالی دیگر را پشت سپهر نهاده ایم نظری کوتاه به حوادث مهمه ای که در سال گذشته در عالم بهائی رخ داده است می اندازیم و میگردیم . در سال گذشته جامعه بهائی چهارمین سال اجرای نقشه منیعہ نه ساله را بسا موفقیت گذراند و اکنون پای به پنجمین سال آن میگذارد . در رضوان گذشته بیسالمهیی از طرف دیوان عدل الهی خطاب به یاران الهی در سراسر عالم صادر گردید در این پیام تاریخی بدوا شرح مبسوطی از فتوحات و انتصاراتی که نصیب ستاینندگان اسم اعظم گشته بیان شده سپس دعوت فوری برای قیام ۲۰۹ نفر مهاجر جهت استقرار در ۸۷ اقلیم از اقلیم جهان بعمل آمد و نیز احبای را به (مشارکت عمومی) در تقدیم تبرعات برای مصارف دائم التزاید صندوق های ملی و بین المللی تشویق فرموده بودند و دوستان الهی را متذکر داشته بودند که برای ورود به (مرحله سوم) نقشه نه ساله که در اکتبر ۶۷ شروع میشود آماده شوند . در این پیام منیع احبای را به شرکت در کفرانسهای شش گانه بیسن ح القارات و هم چنین برنامه های ابلاغ عمومی امرالله که بیاد یکصدمین سال اعلان عمومی امر مالک قدم صورت میگیرد تحریص فرموده بودند .

در ایام رضوان سال گذشته همانطور که پیش بینی شده بود در ۱۱ نقطه از نقاط جهان یازده کانونشن ملی جدید التاسیس با شرکت حضرات ایادی امرالله بنمایندگی بیت العدل اعظم تشکیل شد و متعاقب آن یازده محفل ملی جدید انتخاب گردید بدین ترتیب عدد اعمده دیوان عدل الهی در سراسر گیتی به ۸۱ رسید .

.....
بزرگترین واقعه عالم بهائی در سال گذشته را میتوان جشن های ملی اعلان عمومی

امر حضرت بهاء الله دانست که از یائیزگدشته در سراسر عالم با شکوه و جلال فراوان با شرکت هزاران نفر از ستاینندگان آن سلطان قدم برگزار شد. در این جلسات جشن و سرور که بیاد نزول سوره ملوک و سایر الواح مقدسه ملوک از کسک آن محیی رم انعقاد یافت احبای سراسر جهان با سرور موفور دست شکرانسه و ستایش به ساحت اقدسش بلند نمودند.

اکلیل جلیل این جشنها را میتوان کفرانسههای ششگانه بین القارات دانست که با شرکت هزاران نفر از حاملان پیام الهی از هر رنگ و نژاد و قوم و ملت در شش گوشه جهان برگزار گردید.

در ماه سپتامبر ۶۷ شش نفر از حضرات ایادی امرالله که از طرف بیت العدل اعظم برای شرکت در آن مؤتمرهای تاریخی انتخاب شده بودند در مرکز جهانی بهائی در جوار بقاع متبرکه اجتماع نمودند و پس از دعا و مناجات در روضه مبارکه با اعضای آن مقام رفیع به مشاوره پرداختند و سپس به ارض سر محل نازل سوره الطوک عزیمت نمودند و پس از زیارت و تضرع و تبتل در آن بیت مکرم هریک با نیروی روحانی جدیدی که از آن جوار پر انوار کسب کرده بودند عازم محل مأموریت خود شدند. بنا بفرموده بیت العدل اعظم الهی ایسن شش کفرانس که بمنظور تجدید خاطره اعلان عمومی امر حضرت بهاء الله و افتتاح دوره اعلان پیام حضرتش بوسیله جمهور مؤمنین " (۱) منعقد شد محرک احبای الهی گردید که " در هر لحظه و فرصتی برای ارتفاع ندای الهی استفاده نمایند " (۲)

حضرات ایادی امرالله موصوف هریک در یک مؤتمر قاره ای شرکت کردند و پیغام مخصوص بیت العدل اعظم را قرائت نمودند و شخصاً به ایراد بیاناتی در عظمت اعلان عمومی امر مبارک پرداختند.

تقریباً کلیه حضرات ایادی امرالله و گروه کبیری از اعضای هیئت های معاونت و محافل ملیه از یکصد و چهل اقلیم و بیش از ۲۰۰ نفر از قاطبه احبای سراسر جهان در این شش مؤتمر تاریخی شرکت کردند.

شرکت کنندگان سعادت آن را یافتند که شمایل مقدس حضرت بهاء الله را زیارت نمایند و نیز پیامهای تلفنی مودت آمیز بین شش کفرانس مبادله گردید و نشانه دیگری از اتساع دائره امرالله در سراسر کره ارض ظاهر شد.

در این اجتماعات تاریخی آثار مبارکه مخصوصاً الواح صادره از یراعه جمال اقدس ابهی خطاب به ملوک و سلاطین عالم تلاوت شد و اهمیت تاریخی این آیات مبارکه و اوضاع و احوال عالم در زمان نزول آنها تشریح گردید.

در خلال این کفرانسههای تاریخی جلسات عمومی متعدد تشکیل شد و جمع کبیری

از رجال و شخصیت های غیر بهائی در آن جلسات شرکت کردند و اصول و مبادی آئین نازنین بهائی توسط فضلا و ناطقین بهائی تشریح گردید . یکی از مقاصد اصلی کنفرانسهای شش گانه بررسی و مطالعه بقیه احتیاجات نقشه منیحه نه ساله بود . در ایام انعقاد کنفرانسها جم غفیری از ستاینندگان اسم اعظم دعوت بیت العدل اعظم را لیک گفته بهنگام طرح احتیاجات نقشه نه ساله قدم به میدان عجزت نهادند و جمعا ۳۳۰ نفر داوطلب این خدمت گرانقدر شدند از جمله در مو تم ویلت ۲۱۶ نفر داوطلب کسب این افتخار جاویدان شدند . احساسات این ستاینندگان جمال ابهی چنان شدید بود که در میان آنان بانوانی با اطفال شیرخوار و بیمارانی با صندلی چرخ دار و افسراد علیل و نابینا دیده میشدند .

شرکت کنندگان چهار کنفرانس ولیمت فرا نکورت سیدنی و کامپلا ساعاتی را در معابد مذکور گذراندند و به تلاوت الواح و آیات بهائی به السنه گوناگون پرداختند و زبان به مدح و ثنای مالک قدم گشودند .

.....

مقارن انعقاد مو تم های بین القارات نمایندگان مخصوص مجموعه از منتخبات الواح حضرت بهاء الله را که خطاب به ملوک نازل شده و تحت عنوان " اعلان عمومی امر حضرت بهاء الله Proclamation of Bahauillah " توسط بیت العدل اعظم تدوین گردیده رسما از طرف آن مقام منبع به پیش از یکصد و چهل نفر از سلاطین ، رؤ سالی جمهور و زمامداران ممالک عالم تسلیم کردند و بسیاری از آنان کتب و شفاها از دریافت این مجموعه نفیس ابراز نهایت خوشوقتی و امتنان نمودند و اهداف دیانت بهائی و مقاصد بشر دوستانه این امر عظیم را با عبارات و کلمات گوناگون ستودند و موفقیت حاملان پیام الهی را آرزو کردند .

.....

در سال گذشته طرح مشرق الاندکار پاناما از طرف بیت العدل اعظم الهی انتخاب گردید و دو شخصیت مبرز علمی یکی به عنوان طراح نقشه دیگری به عنوان مشاور بیت العدل اعظم برای ساختمان این معبد جلیل انتخاب گردیدند . پس از تهیه مقدمات لازم در ایام کنفرانس پاناما اولین سنگ بنای ام المعابد امریکای لاتین بدست امة البهائ روحیه خانم در میان شور و شوق بی پایان صدها نفر از شرکت کنندگان آن مو تم تاریخی مستقر گردید و بدین ترتیب ساختمان این معبد عظیم که بر سر چهار راه عبور و مرور دریائی جهانی واقع گردیده آغاز گردید و با تقدیم تبرعاتی که از طرف افراد جامعه جهانی بهائی تقدیم شده و میشود قریبا " مبلغ صامت " دیگری در محل اتصال اقیانوس اطلس به اقیانوس کبیر قامتی موزون و زیبا بر خواهد افراخت و جهانیان را به صلح و سلام دعوت خواهد کرد . . .

شش نفر ایادی امرالله پس از اختتام کنفرانسهای که شرکت کرده بودند به سفرهای تفریحی به نقاط مختلفه جهان مبادرت ورزیدند. از جمله روحیه خانم به ممالک امریکای لاتین دکتر جیاگری به استرالیا و جزائر اقیانوسیه و پاسیفیک جناب فیضی به جنوب شرق آسیا و خاور دور و امریکا جناب فروتن به بعضی از نواحی افریقا جناب سمندری به صفحات امریکا و کانادا و آلاسکا (تا نزدیکی قطب شمال) و جناب پل هنی به ممالک اروپائی بسیر و سفر پرداختند و در هر سرز و بوم پس از تشجیع سربازان جند هدی پیام الهی را علی رئیس الاشهاد به عموم ابلاغ کردند .

همچنین در سراسر سال گذشته سایر حضرات ایادی امرالله " علمداران اجرای نقشه " در نقاط مختلفه عالم به سیر و سفر پرداختند و در اجرای نقشه نه ساله علم هدایت من علی الارض برافراختند .

.....

یکی از وظایف مهمه ای که از طرف دیوان عدل الهی در سال گذشته به عهده ستاینندگان اسم اعظم گذاشته شده بود شرکت قاطبه احبای الهی در " ابلاغ عمومی امرالله " به تذکار یکصدمین سال نزول الواح ملوک بود . در اجرای این وظیفه در هر کشور لجنه های ملی (اعلان امر) تشکیل شد و برنامه هائی بنام " برنامه اعلان عمومی امرالله " تدوین و اجرا گردید .

اقداماتی را که در جهت اجرای این برنامه جهانی بعمل آمد میتوان بدینقرار خلاصه کرد :

ارسال صدها هزار نسخه مجموعه الواح حضرت بهاء الله و کتب امری به السنه مختلفه برای زمامداران، رجال، مقامات مذهبی، استادان، فضلا و نویسندگان روزنامه نگاران و سایر شخصیت های مهم ممالک مختلف - دائر کردن نمایشگاهها گوناگون بهائی - انجام کنفرانسهای عمومی در سالن های شهرداری دانشگاهها کالج ها مدارس و سایر مجامع عمومی - ایراد نطقهای رادیو تلویزیونی - انجام مصاحبه های مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی - درج مقالات و عکسهای مربوط به امر بهائی در جرائد و مجلات - ترتیب هفته هائی بنام " هفته بهائی " در شهرهای مختلف - تشکیل جلسات بحث و میزگرد (پانل) انجام مسافرت های انفرادی و دسته جمعی به دهات و قرا و قصبات و قبائل و ابلاغ حضوری امر مبارک به آنان - دائر کردن سرویس مکاتبه ای برای دادن اطلاعات در باره امر مبارک دائر کردن سرویس تلفنی ابلاغ امر بهائی - استفاده از فرصت های مناسب مانند روز صلح جهانی - روز برابری نژادی - روز حقوق بشر و امثالهم برای ابلاغ عمومی و سایر برنامه های مشابه .

.....

در سال گذشته مؤسسات و مشروعات بهائی از قبیل مدارس بهائی - حضانر قدس ملی و محلی مدارس تابستانه و زمستانه مؤسسات تبلیغی گستان

جاوید اراضی مشرق الاذکار و حظائر قدس و سایر موقوفات امری روبه توسعه و تزیید گذاشت و جوامع مختلفه بهائی در استقرار و تزیید این مؤسسه کوششهای فراوان نمودند .

ارتباط امر بهائی با مراجع رسمی جهانی و ملی و شناساندن این آئین جهانی از اهم مسائلی بود که در سال گذشته مورد عنایت خاص بیت العدل اعظم الهی قرار گرفت . جامعه بهائی سالی چند است که به عنوان یکی از سازمانهای غیر دولتی دارای هیئت نمایندگی در سازمان ملل متحد است در سال گذشته بیت العدل اعظم ارتباط با این مرجع جهانی را شخصا به عهده گرفت و جناب دکتر (آردجو) را به عنوان نماینده ممتاز و ناظر بین المللی جامعه بهائی در سازمان ملل انتخاب کرد . همچنین در اثر کوششهای فراوان جوامع بهائی موناکو داهوی برمه و افریقای جنوبی دول این کشورها دیانت بهائی را به رسمیت شناختند و دولت بلژیک مسئولیت اداره جامعه بهائی را رسماً به محفل ملی آن کشور واگذار کرد و نیز در بسیاری از ممالک و شهرها ایام متبرکه و ازدواج بهائی به رسمیت شناخته شد .

در ضمن این سطور تذکار این خاطره مسلماً برای عموم یاران الهی تأثر انگیز است که در نوامبر سال گذشته بمناسبت دهمین سال صعود حضرت ولی امرالله ارواحنا لترتبه الفداء دسته گلهائی از طرف بعضی از جوامع بهائی از جمله محافل ملی ایران و انگلستان تزار آن تربت معطر گردید و بدین ترتیب بار دیگر حق شناسی و وفاداری یاران الهی بآن مولای قدیر ابراز شد .

پیش از اینکه سخن را به پایان بریم ناگزیر از ذکر این نکته هستیم که در مرحله سوم نقشه جلیله نه ساله عده کبیری از حاملان پیام الهی با زاد و توشه توکل و انقطاع قدم به میدان هجرت نهادند و به نقاطی که از تابش انوار الهی محروم بودند هجرت نمودند و به هدایت مردم آن اقالیم پرداختند و در نیمه راه نقشه نه ساله واحدهای مختلف جوامع بهائی در گادرهای ملی و محلی در راه وصل به اهداف این خریطه الهیه به سرعت گام برداشتند و بسیاری از جوامع بهائی با فداکاری های کم نظیر از سهمیه نقشه که باید تا ه سال دیگر اجرا نمایند هم اکنون از آن تجاوز کرده اند و هم چنان بسرعت بجلوی تازند . نظری اجمالی به این امار که در زمستان سال گذشته منتشر شده مؤید ایسن ادعا است :

- تعداد محافل ملی ۸۱ محفل .
- تعداد محافل محلی ۵۸۵۲ محفل .
- تعداد مراکز امری ۲۸۴۱۳ مرکز .

The Palo Alto

THE PALO ALTO TRIBUNE IS MERGED WITH THE PALO ALTO

VOLUME X

PALO ALTO, CALIFORNIA, FRIDAY, NOVEMBER 1, 1912.

NO. 42

Abdul Baha, the Bahai Prophet, Speaks at Stanford University

A great assembly of students and teachers crowd the auditorium to hear the Bahai Prophet of Persia expound the doctrine of a new day for Universal Brotherhood International Peace and Religious Unity

یکروز تاریخی در دانشگاه استنفورد

ترجمه و تنظیم: دیانت آریجی

استادان عالی مقام را در روز موعود تقبل نمودند و وسائل پذیرائی آنان را در محل دانشگاه فراهم کردند تا بتوانند در آن روز برای استماع نطق هیگل مبارک در سالن اجتماعات دانشگاه حاضر شوند.

دکتر استار جوردن رئیس دانشگاه استنفورد که خود یکی از دستداران و مبلغین صلح و دوستی بین المللی بود از حضور مبارک حضرت عبدالبهاء تقاضای ایراد خطابه ای در دانشگاه مذکور نمود و هیگل اطهر صبح و عصر روز موعود یکبار در سالن اجتماعات دانشگاه و بار دیگر در محل کلیسای وابسته به دانشگاه خطابات مهیمنی ایراد و بیخام صلح و برادری بین ابناء انسانی را که شارع و مؤسس دیانت جهانی بهائی در این دور افخم اعلی برای توده غربا بیان فرموده به سمع

در پنجاه و پنج سال پیش در ماه نوامبر سال ۱۹۱۲ حضرت عبدالبهاء روح ما سواه فداه بنا بدعوت دانشگاه استنفورد کالیفرنیا ای امریکا به شهر (پالوآلتو) تشریف آوردند و خطابه ای در جمع استادان و دانشجویان آن دانشگاه که جمعیتی در حدود دو هزار نفر بودند ایراد فرمودند.

در عظمت و اهمیت این روز تاریخی که مقدمات و ترتیبات خاصی از طرف مردم شهر به جهت بزرگداشت آن فراهم گردیده بود روزنامه های آن سامان مقالات مفصلی انتشار دادند و حتی برخی از آنان شماره مخصوصی که سرتاسر آن شرح خطابات مبارک و توصیف امر بهائی و مبادی و احکام آن بود منتشر نمودند. مردم شهر خارج سفر و اقامت گروهی از مستشرقین و

علماء و دانشمندان و روحانیون آن سامان رسانیدند و مبادی سامیه امر الهی را به احسن وجه و لطف لحن تشریح و تبیین فرمودند .

پیام عنایت عز سبحانی در عصر مشعشع نورانی به لحنی بدیع و روحانی در مهد عالی تریسن تمدن مادی انسانی به جمعی از مشتاقان در عاصمه دانش و مرکز علوم و فنون بشری ابلاغ گردید و قلوب تشنه متحریان حقیقت را به شراب مزاجها کافور خری و طراوت ملکوتی عنایت فرمود شور و ولوله ای را که در آن روز در آن مدینه به ظهور رسید از زبان جویده معتبر آن دیار که بنام " پالو آلتن " Palo Aitan منتشر میشد بهتر میتوان درک نمود .

این روزنامه یوم جمعه اول نوامبر ۱۹۱۲ شماره مخصوص به مناسبت مسافرت حضرت مولی الوری به غرب امریکا منتشر نموده و گلیه صفحیات خود را وقف این واقعه پر خاطره کرده است و احساسات مردم و مستمعین خطابات مبارک را به کلماتی فصیح منعکس نموده است .

در سرمقاله روزنامه پالو آلتن با حروف برجسته حضرت مولی الوری بعنوان پیغمبر بهائی معرفی گشته اند و خیر تشریف فرمائی مبارک به دانشگاه استانفورد و تجمع گروه عظیم مشتشرقین و استادان عالی مقام و دانشجویان مجاور و مقیم مفصلاً بیان شده است .

روزنامه در سرلوحه مقاله خود متذکر میگردد که عده ای از مستشرقین امریکا و دستیاران و همراهان آنها به پالو آلتو دعوت شده اند که مهمان شهر بوده و در محل دانشگاه توقف نمایند تا موفق به زیارت حضرت عبدالبهاء و استماع خطابه مبارک و پیام دوستی جهانی و برادری بین المللی در یم رب الملكوت بشوند و سرور و نهضت جدید روحانی را که از مشرق پر جذبه سرچشمه گرفته از لسان اطهر پیامبر

جدید استماع نمایند .

وصف بیقراری منتظرین را جهت تشرف به حضور مبارک چنین بیان مینماید :

" سالن عظیم اجتماعات (آفنی تاتر) دانشگاه هرگز چنین شور و شوقی بخود ندیده بود اجتماع دو هزار نفری از استادان و دانشجویان با بسی صبری و اشتیاق منتظر قدم حضرت عباس افندی مقتدای نهضت دنیائی بهائی بود . بالاخره آن سیمای ملکوتی با قبای بلند و مولوی سفید ظاهر گردید و به حقیقت جلوه پر شکوه سیمای واقعی مظاهر مقدسه را در شرق در جلودیدگان حاضرین آشکار نمود . "

" بیانات حضرت عبدالبهاء و دستوراتی که ضمن آن تشریح میفرمود در جهت نیل به هدف اعلای تقلیب اصول کهنه ادیان متوجه بود مقصود اصلی ایشان تجدید حیات ادیان سالفه آسیائی مانند یهود و مسیحیت و اسلام و اتحاد اصول و مبادی اساسی است که همه آنها بدان معتقد و مؤمن میباشند . "

نویسنده سپس به نتایج مسافرتهای حضرت مولی الوری اشاره کرده میگوید .

" مسافرتهای حضرت عبدالبهاء به انگلستان و امریکا دارای نتایج بسیار درخشانی بوده و گروه کثیری را به اصول و مبادی این نهضت جدید و دستورات و متد آن معتقد و مؤمن ساخته است . "

" در حقیقت باید مدعن بود که علم واقعی باصول روحانی و درک حقیقی از مبادی سامیه الهی به این نحو و کیفیت سابقه نداشته است و حضرت عبدالبهاء توانائی و قوف و علم به این مدارج را به افراد عطا میفرماید که حاضر به اشاعه تعالیم مبارکش گشته اند و برای نشر و استقرار این اساس حاضر به همه نوع فداکاری و از خود گذشتگی میباشند . "



دکتر دیوید استار جوردن

فرکز تأثیرات کلی مسافرت حضرت سرالله الاکرم و نتایج ابلاغ پیام ملکوتی از لسان اطهر در این مختصر ننگد بهترین است که این مقال را بانقل قسمت اخیر سرمقاله روزنامه (بالوالتن) خاتمه دهیم .

" در حقیقت این یک روز تاریخی و یک واقعه فراموش نشدنی بود عبدالبها از اقصی بلاد شرق از ایران قدیمی ترین کشور دنیا سرزمین باغ عدن و مهد تمدن عهد قدیم پیام روحانی خود را پیام صلح بین المللی و تفاهم و برادری را از مرکز متفکر استانفورد در اقصی نقطه غرب در سرزمین جدید به دنیای نو به امریکا یعنی جوان ترسمن و عظیم ترین کشور جهان ابلاغ نمود ."

" امروز بار دیگر دانه های صلح و سلام و آشتی و صفا در اقصی نقطه غرب امریکا با ایادی مهتر و وفا و توسط این مظهر عنایات حضرت کبریسا افشاندند شد و نهالهای صلح و دوستی در اراضی قلوب مستعد و ارواح زکیه که مرکز و منبست عنایات الهیه جهت نشو و نما می آن است بودیعت غرس گردید ."

" در دانشگاه استانفورد کالیفرنیا همواره ذوق و شوق وافر جهت ایجاد صلح و دوستی بین المللی وجود داشته است چه که شخص دکتر جوردن که خود عضو انجمن صلح کارنگی میباشد از هوا داران این اصل انسانی بوده است و علیهذا شکی نبود که خطابات مبارک مورد استقبال شدید حاضران قرار میگرفت و لکن قبولیت آن خارج از حد تصور بود و روحانیت آن مورث انجذاب شدید در قریب و بعید گردید ."

متعاقب این خطاب مهیمن که به اهل علم و ارباب فضل و دانش ایراد فرمودند هیکل مبارک پس از مختصری استراحت و بازدید از ساختمانها و کتابخانه دانشگاه عصر همان روز به محل کلیسای وابسته به دانشگاه تشریف فرما شدند و خطابه ای به اهل کلیسا و جامعه روحانی و حاضران در آن محل ایراد فرمودند که ترجمه تمامی آن کلمه به کلمه در روزنامه درج گردید و ناشرین آن جریده نظر به اهمیت خطابات مبارک و لحن پیام های آن در درج مضامین امساک ننموده و برخلاف سنت روزنامه نگاری حتی از ذکر جزئیات هم خودداری نکردند در خصوص این مجلس روحانی که به وجه نورانی هیکل اطهر مزین و منور گردید نیز سرمقاله روزنامه به درج تأثیرات شگرف و انعکاس روحانی آن در قلوب حاضرین در کلیسا اشاره نموده و به نتایج عظیمه روحانیه آن در بلاد غرب امریکا اظهار اطمینان و امیدواری کسوده است .

وحدت اجتماعی

وحدت سیاسی

وحدت اقتصادی

تصمیم: دکتر ح. ب. کامران
ترجمه: ۱۰ شهریور

جناب حسنعلی کامران یکی از احبای موفق مهد امرالله هستند که پس از خاتمه تحصیلات خود در دانشگاههای طهران و پاریس به اخذ درجه دکترای حقوق نائل گشته و در رشته علوم اقتصادی و سیاسی نیز با درجه لیسانس فارغ التحصیل شده اند. جناب کامران پس از طی مراحل مزبور در ممالک مختلفه خصوصاً برزیل مدتها اقامت نموده و سپس به آنورس (بلژیک) عزیمت و در آنجا اوقات خود را محضراً مصرف فعالیت های امری نموده اند. نظر به اطلاعات و معلومات حقیقی که جناب دکتر کامران در رشته حقوق بین المللی کسب نموده و با توجه به معارف وسیعی که درباره اصول و مبادی امر مبارک بدست آورده ^{ند} میتوان ایشان را متخصصی در تعالیم اجتماعی و اقتصادی امر بدیع معرفی نمود. جناب دکتر کامران با احراز امتیازاتی قابل ملاحظه موفق به دریافت نشان لیاقت علمی گردیده است.

ما در عصری زندگی میکنیم که اگر بخواهیم آنرا وخیم و پر مخاطره نخوانیم باید مغشوش و متلاطمش بدانیم. سرنوشت انسان مظلوم و نا معلوم و حتی موجودیت او مآلاً دستخوش تهدید است. در هیچیک از عهود و اعصار ماضیه عالم انسانی بدین پایه و تا این حد در شئون اجتماعی - سیاسی و اقتصادی دچار از هم گسیختگی نبوده است. حال زمانی است که بشر بالاخره بدین حقیقت مذعن و معترف میگردد

که مسأله وحدت اجتماعی - سیاسی و اقتصادی صرفاً عقیده ای مطبوع ولی غیر عملی و بیهوده نبوده بلکه یقیناً یگانه علاج امراضی است که هیكل محنت زده و پریشان عالم انسانی با آن دست به گریبان می باشد . بد نیست به دور نمای اوضاع واقعی جهان بنگریم و بدوا وضع اجتماعی را مورد مطالعه قرار دهیم . چشم انداز ما در حقیقت جز تصویری از يك تفرقه عجیب واز هم پاشیدگی مهیب نمی باشد . اولین عاملی که توجه محققین مطلع را جلب مینماید دیانت است که بجای آنکه اساسی قویم جهت وحدت و یگانگی باشد علت نفاق و شقاق گشته است . دوری و فاصله بین ابنا انسان در این میدان تا به نقطه ای کشیده که دو برادر با عقاید روحانی مختلف مبدل به دو دشمن مسلم شده اند . امروز این واقعیت از نظر برخی از بزرگان روحانی که در هر حال مورد تکریم و احترام ما میباشند دور نمانده و بدان آگاهی دارند لکن در گذشته از آن غافل بوده اند و در بسیاری از ممالک وحدت اجتماعی را فدای علائق مذهبی مینموده اند . همین وضع بنحوی عجیب و به تقیاس جهانی در دنیای کنونی نیز مشاهده میشود .

رقابت های اجتماعی - سیاسی و حتی تعصبات لسانی موجوده در بین ملل تمدنه متنوعه جهان فقدان وحدت اجتماعی بشر را که تحقق آن منتهای آرزو و آمال عالم است بخوبی مشهود میسازد و این عدم اتحاد و یگانگی در کشورهای که به جهت رشد اجتماعی و سیاسی مشهور آفاقند نیز به چشم میخورد . اختلافات موجوده در زمینه اقتصادی نیز به همین نحو موجبات بیگانگی و عدم یگانگی را فراهم ساخته است . وحدت سیاسی واقعی یعنی عامل اصلی و ضروری حفظ صلح ندرتا و جز برای مدتی با النسبه کوتاه که دویا چند مملکت را با یکدیگر متحد ساخته متحقق نگردیده است . جنگها و محارباتی که از بدو تاریخ تا کنون روی داده مؤید این مطلب است .

تناقضات ، اختلاف عقاید ، علائق ، تعصبات و شهوات فتح و پیروزی و جاه طلبی سدی از جدائی ها در برابر وحدت سیاسی ایجاد کرده و همین عوامل در گذشته نیز مانع و رادع اتحاد و یگانگی نوع بشر و سبب انسداد راه وحدت بوده است .

دور نما و نظرگاه ما در این ایام چندان مسرت بخش تر از گذشته نمیباشد چه پیش از هر زمان دیگری عالم از جنبه سیاسی از هم گسیخته و تعصبات و تعلقات طیبه به هیچوجه جایی برای وحدت باقی نگذاشته تا آنجا که این اوضاع ممکن است ایجاد رقابت های جدیدی نماید که اقطار عالم را به مهلکه کشاند . اما در باره وحدت اقتصادی که عامل ضروری و اجتناب ناپذیر سعادت مادی بشر بشمار میرود صرف نظر از گامهای مردد و قدمهای مشکوکی چند که در این راه برداشته شده مساعی مثبتی ای بمنظور تحقق آن معمول نگردیده است . توجه باین نکته لازم است که وحدت اقتصادی را با اتحادیه ها و معاهدات اقتصادی نباید اشتباه نمود . جهان در گذشته معاهداتی چند در این زمینه بخود دیده و اکنون نیز سازمانهایی بین المللی موجب اتحاد چند کشور شده و بدین طریق گروههایی بوجود آورده اند ولی اگر بخوا هیم تأسیس این بلوک ها و اتحادیه ها را اولین مرحله ایجاد وحدت اقتصادی بپنداریم از حقیقت بسی دور مانده ایم چه این اتحاد به چند کشور محدود انحصار داشته و حتی اگر کره ارض را نیز در برگیرد مع الوصف تحقق آن مستلزم آنست که همزمان با وحدت سیاست وحدت فکر نیز بوقوع پیوندد .

بیگانگی و جدائی در شئون اقتصادی بیش از آنچه مذکور گشت بر عالمان حکم فرماست . در حالی که بلوکهایی مقتدر متشکل گشته و جنگی موحش و جدالی مرگبار تدارک مینینند ملیون ها نفوس گرسنه در تلاش معاش و در جستجوی کار سرگردانند . علمای اقتصاد برای ازاله این صحنه خزن آور بیهوده مساعی و مجاهدات

خود را به اتکا علی که اندوخته اند بکار میبرند . شکاف موجود بین مالکی که اقتصادی ضعیف دارند (عموماً تولید کنندگان مواد اولیه طبیعی) و کشورهای صنعتی هر آن عمیق تر میگردد بنحوی که در شرایط کنونی حتی تصور وحدت اقتصادی هم امری باطل بنظر میرسد . برای روشن شدن موضوع بذکر مثالی میپردازیم با توجه به پیشرفتهای علمی که طی سی سال اخیر در رشته پتروشیمی حاصل گشته کشورهای صنعتی بمنظور صرفه جویی و تقلیل بهای محصولات خویش روی از پشم طبیعی برتافته توجه خود را بسوی تولید کنندگان مواد اولیه مصنوعی معطوف ساخته اند و عملاً الیاف " پولیستر " به تدریج جایگزین پشم طبیعی گشته و طولی نخواهد کشید که دهقانان تیره بخت آفریقا و آسیا ناگزیر خواهند شد محصولات پشم خود را بسه نمن بخش بفروش رسانند و از این رهگذر در نکبت و فلاکت عظیمتری غوطه ور خواهند شد .

با تعمق در آنچه گذشت مشاهده میشود که افق وحدت اجتماعی - سیاسی و اقتصادی جهان بسیار تیره و تار است و هیچگونه نور آملدی از بس ابرهای انبوه تعصبات و تنفرات که آن را پوشانده ساطع نمیگردد و تلاشی هم برای تابش خورشید وحدت در آسمان حیات انسانی معمول نمیشود .

در چنین عصری که یأس و نومیدی همه را در بر گرفته جمال اقدس ابهی پیامی ملو از امید و مشحون از اطمینان به عالمیان بخشیده و برای اولین بار بوسیله حضرتش نظمی ارائه گشته که هدف آن تأسیس وحدت اجتماعی سیاسی و اقتصادی یعنی وسائل ضروریه ای که برای اوضاع نا بسامان کنونی بشر غیر قابل اجتناب است میباشد حضرت بپا! الله جل اسمه الاعلی لزوم عامل روحانی را در حیات انسانی تأکید فرمودند که بدون آن - تأسیس وحدت عمومی و کلی امکان پذیر نخواهد بود .

وحدت اجتماعی زمانی ممکن الحصول خواهد بود که تعالیم اجتماعی امر بهائی در آن ملحوظ گردد . تعالی نوع بشر موقعی آماز خواهد شد که تعصبات مختلفه زائل و بجای آن و داد و محبت خالص و احترام متقابل برقرار شود .

نژادها و طبقات متفاوتی وقتی تشکیل جامعه ای واحد خواهند داد که با رشته های روحانی بیکدیگر مرتبط و متصل گردند .

عدالت اجتماعی هنگامی در عالم انسانی حکومت خواهد نمود که در جمیع جوامع بشری نسوان از همان حقوقی که رجال دارا هستند بهره مند شوند . تنها قوانین و تعالیم اجتماعی بهائی است که متضمن این شرائط بوده و وحدت و یگانگی را متحقق خواهد ساخت .

وحدت سیاسی جهانی جز از طریق روحانی یعنی راهی که موعود کلی جمیع اعصار امروز معین فرموده اند حصول نخواهد یافت . اگر ملل و دول عالم بخواهند بدون استعانت از فیض روح القدس به منافع و عوائل خود خاتمه دهند و ایجاد تجانس و هم آهنگی نمایند نه فقط توفیق نخواهند یافت بلکه با نتیجه ای معکوس مواجه خواهند گشت . در حقیقت مادام که بین احتیاجات و امیال ملل و امم و افراد انسانی عامل مشترکی موجود نباشد سیاست های ملیه همچنان مشتت و متباین باقی خواهند ماند .

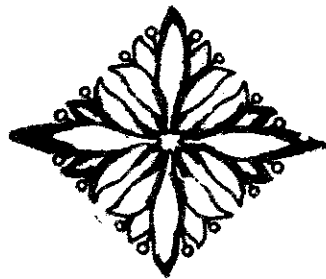
در گذشته جمیع روشهایی که بسوی وحدت سیاسی پیش میرفته اند به انحاء مختلفه مورد امتحان و تجربه قرار گرفته و هیچیک از آنها به این هدف عالی نائل نگشته اند . حال حساس ترین زمانی است که بشریت باید برای نیل به این هدف و مقصد عالی به جستجوی وسیله ای برخیزد و این وسیله جز نظم جهان آرای الهی که جز " لاینفک تعالیم عالمگیر بهائی و خط مشی عالی - کامل و کافی برای اداره جوامع و گروههای بین الطلی به جهان عرضه نموده است نتواند بود . این نظم مصون از خطا و لغزش ناپذیر

که بواسطه مظهرکی الهی پایه عرصه وجود و شهود نهاده خود وسائل و لوازم ضروریه اداره امور جهانی را مهیا و فراهم میسازد . نظم جهانی حضرت بهاء الله جل جلاله یگانه طریقی است که با القاء محبت نوع انسان بقلوب مسئولین اجتماع وحدت سیاسی را تأسیس خواهد نمود در حالی که سایر طرق موجوده بدفاع از یک ملت و یا یک یا چند منطقه از کره ارض محدود میباشند .

نقشه و دستورات اقتصادی این آئین الهی تنها وسیله ای است که اجرای امر دشوار و بسیار خطیر وحدت اقتصادی را امکان می بخشد . امر بهائی با پیشنهاد سرمایه گذاری مشترك در منابع ثروت ارضی و توزیع عادلانه آن و تنظیم نقشه و برنامه ای همگانی جهت تولید مواد و بهره برداری و استخراج از معادن و تقسیم صحیح منافع حاصله بین جمیع گردانندگان چرخهای صنعتی (کارگران و گروه تولید کنندگان) و تجسس برای ساختمان بنای دنیای واحد اقتصادی بر اساس روحانی و وسیله تأسیس چنین عالمی را در اختیار بشریت گذاشته است . امر حضرت بهاء الله یگانه ضامن وحدت اقتصادی جهانی مجموعه دستورات و قوانینی را که تا کنون چشم روزگار بخود ندیده به عالم انسانی ارزانی داشته و هر مشکلی را چاره ای قطعی و هر مرضی را علاجی واقعی بخشیده است . به یقین مبین بشریت برای ایجاد بنای وحدت اقتصادی خویش قسار به اتخاذ طریقی دیگر نخواهد بود .

این مبحث را با بیانات مبارکه جمال اقدس ابهی که برای اولین بار در تاریخ بشریت برای پایان بخشیدن رنجها و مصائب عالم انسانی تحکیم اساس وحدت کلی را تجویز فرموده اند خاتمه میدهیم :

" جمیع ملل عالم در ظل یک دین متحد و مجتمع گردند و ابنا بشر چون برادر مهر بر سرور شوند روابط محبت و یگانگی نوع انسان استحکام یابد و اختلافات مذهبی و تباین نژادی محو و زائل شود نزاع و جدال و سفک دما منتهی شود و جمیع بشر یک خانواده گردند . "



در کلیسای وست‌مینستر

از بهائی جورنال
ترجمه ۱. ظهوری

رئیس نمازخانه کلیسای وست‌مینستر چنین اعلام نمود :

" یکی از اعضای جامعه بهائی آیاتی چند از آثار بهاء الله را میخوانند . "

آنگاه جناب دیک بک ول عضو هیئت معاونت ایادی قسمت هائی از یکی از الواح مبارکه جمال اقدس ابهی را تلاوت نمود . بدین ترتیب نام مبارک حضرت بهاء الله جل اسمه الاعلی برای اولین بار در یم شنبه نهم

دسامبر ۱۹۶۷ بوسیله عالی جناب و صاحب القاب اریک . س . ابوت .
The Very Reverend Eric S. Abbott, M.A., D.D.,
F.R.S., F.C.V.C., رئیس نمازخانه وست‌مینستر از فراز منبر کلیسیا معرفی گردید . قرائت آیات آسمانی حضرت بهاء الله قسمتی از برنامه‌ای را تشکیل میداد که در آن منتخباتی از کتب مقدسه شش دیانت همراه با نوای موسیقی خوانده میشد . این مراسم به مناسبت روز حقوق بشر در آغاز سال بین‌المللی حقوق بشر اجرا گردید و از ساعت ۷/۴ بعد از ظهر به مدت یک ساعت به دعا و مناجات و توجه به درگاه خداوند متعال اختصاص داشت . پروگرام این اجتماع بنحوی جالبی به طبع رسیده و در اختیار شرکت‌کنندگان در مراسم گذاشته شده بود و حاوی متن کامل کلیه آیات الهی بود تا همه حضار بتوانند شخصا در این نیایش مشارکت نمایند .

در مقدمه پروگرام این عبارات به چشم میخورد : " در طول این ساعت که به دعا و مناجات اختصاص دارد از حاضرین در مراسم تقاضا میشود در صدلیهای خود قرار گیرند و سکون و سکوت کامل را رعایت نمایند و فقط در پایان مراسم که متحداً به نیایش خواهیم پرداخت برپا بایستند . پس از تلاوت هر قسمت از آثار کتب آسمانی در سکوتی عمیق ترفرو میروم و هر یک منفرداً در کمال توجه به دعا مشغول میشوم و خود را متحد و مرتبط میسازم چه ما همگی اعضای یک خاندان بشری هستیم . "

بدین طریق علاوه بر ذکر نام نای حضرت بهاء الله نبذه‌ای از پیام جانبخش اونیز با تشریفات خاص ولحنی مؤثر در این معبد تاریخی واقع در قلب لندن در برابر منتخبین آن ملت تلاوت گردید . یکصد سال پس از آن که آن حضرت لوح مقدس خود را خطاب به ملکه ویکتوریا نازل فرمود نام او در همان مکانی که آن ملکه تاج بر سر نهاده بود در مقابل اجتماعی عظیم و از لسان یکی از بزرگترین شخصیت‌های کلیسای عالم استماع

گردید .

ادیانی که از نمایندگان آنها برای قرائت کتب مقدسه خود دعوت شده بود به ترتیب عبارت بودند از دیانت یهود - اسلام - سیک - زردشتی - بهائی و مسیحی و بدین نحو امر بهائی بطور واضح از دیانت اسلام متمایز شناخته شد .

شناسائی امر بهائی و موه سس نازنین آن در چنین مکانی که نظر به سنن و سوابق تاریخی دارای تقدس خاص و در حیات ملت انگلیس حائز مقامی عالی و درخشان میباشد بر ابهت و جلال امرالله به مراتب افزوده و چنان شهرت و احترامی بدان بخشیده که تا کون در مجمع الجزائر بریتانیا سابقه نداشته است دیوان عدل اعظم الهی پس از استحضار از این موفقیت و موقعیت خطیر طی دستخطی نه فقط از حسن انتخاب آثار مبارکه ای که در اجتماع کلیسای وست مینستر تلاوت گردیده اظهار خوشنودی فرمودند بلکه از این موفقیت که تلاوت آیات حضرت بهاء الله در معبدی که ارتباط تاریخی مستحکم با مردم انگلیس دارد موجب شناسائی و شهرت قابل توجه جامعه امرالله گشته ابراز سرور فرمودند .

عکس پشت جلد مربوط به این قسمت است .

شورش بلبلان

خفته از صبح بی خیر باشد
دل شوریدگان سپر باشد
هر که زنده است در خطر باشد
تا که را چشم این نظر باشد
مگر آن کس که بی بصر باشد
نرود طرزه جانور باشد
زهر شیرین لبان شکر باشد
مذهب عاشقان دگر باشد

شورش بلبلان سحر باشد
تیر باران عشق خوبان را
عاشقان کشتگان معشوقند
همه عالم جمال طلعت اوست
کس ندانم که دل بدو ندهد
آدمی را که خارکی در پای
گو ترشروی باش و تلخ سخن
عاقلان از بلا بپرهیزند

بای رفتن تمنند سعدی را
مرغ عاشق بریده پر باشد

(سعدی)

کلاس درس تبلیغ جناب نعیم

از خاطرات محمد سلیم

موضوعی با نهایت عطف و محبت
بحث و مذاکره میفرمودند که
همه درک کنند و بتوانند تقریر
نمایند . حضرت نعیم بشاگردان
خود نصیحت میفرمودند در -
مدرسه سعی کنید با هم
شاگردان خود روف و مهربان
باشید و آنها را به قوه
محبت جذب و دوست خود
کنید و معلوماتی که تحصیل
میکنید تدریجا به موقع خود
بکار بندید . ایضا میفرمودند
همیشه مقداری نقل در جیب
خود داشته باشید و گاهگاه
هر وقت مقتضی باشد بسه
هم شاگردان خود بدهید
و به این وسیله دوست و رفیق
گردید . این رفاقت متدرجاً
منتهی به تبلیغ آنها گردد
ولو نتیجه آنی نداشته باشد
بالاخره اثر خود را خواهد

روحی لرمسه الفداء تأسیس
درس تبلیغ نمودند و به نهایت
همت سعی بلیغ فرمودند . . .
تا آنکه میفرمایند :
" عبدالبهاء را آرزو و مقصد
چنان که این تاج را بر سر
تو گذارد تا در محل آن بزرگوار
نوجوانان را درس تبلیغ دهی "
الی آخر بیانه الاحلی .
حضرت نعیم امتثال امر مبارک
را فرمود و جلسه تبلیغی
تشکیل و با کمال همت باین
خدمت خطیر قیام نمودند .
مطالب دروس تبلیغی ایشان
بطور سؤال و جواب بود و
بوسیله " زلاتین " تکثیر
و بین افراد توزیع میفرمودند .
حضرت نعیم بسیار صبور و
حلیم بودند بیان ایشان
همیشه آمیخته با مهر و محبت
و صبر و سکون بود در هر

در حدود ۵۷ سال قبل این
عبد که ۱۲ ساله بودم به
مدرسه تربیت بهائیان میرفتم
با آقای عبدالحسین نعیمی
فرزند جناب نعیم هم درس
بودم . اطلاع یافتم که
حضرت نعیم کلاس درس -
تبلیغی تأسیس نموده اند
و قرار است هفته ۳ روز بعد
از تعطیل مدرسه در منزل
ایشان این جلسه تشکیل
شود . بنده نیز بواسطه
دوستی و رفاقتی که با جناب
نعیمی داشتم به کلاس
درس تبلیغ دعوت و به آن
جمع ملحق شدم .
به موجب لوح مبارک
حضرت عبدالبهاء که بسه
افتخار نعیم نازل شده
است و میفرمایند :
" حضرت صدر الصدور

نمود . . .

بخوبی یاد دارم هرروز صبح که به مدرسه میرفتیم حضرت نعیم از منزل بسوی سفارت انگلیس برای تدریس فارسی به انگلیسها تشریف میبردند ایشان همیشه اوقات سرخود را به زیرانداخته متوجه هیچ چیز نبودند یا مشغول ساختن شعر بودند و یا در مسائل غامضه دیگر فکر میفرمودند . خط سیرشان همیشه در یک طرف خیابان خلوت بود . از محل پسر هیاهو و پر جمعیت بیزار و خلوت را به مراتب بر جلوت ترجیح میدادند . حضرت نعیم چون بانگلیسها که اعضای سفارت بودند فارسی تدریس میفرمودند

ناگزیر بودند زبان انگلیسی را نیز بیاموزند و معلومات ایشان در انگلیسی بسیار خوب شده بود .

حضرت عبدالبهاء در لوحی به این مضمون اهمیت تحصیل انگلیسی را بیان فرموده اند : " مدتی است مسوع گردید که آن نفس زکیه لسان انگلیسی تحصیل مینمایند این خیر سبب سرور شد مقصد این است که در تحصیل لسان نهایت همت را مجری دارند زیرا اسباب خدمات عظیمه در امرالله است . . . "

حضرت نعیم جمیع اوقاتشان مصروف کار بود . خط خوبی داشتند الواح بخط خوش ایشان موجود است . آن ایام مبلغین جمع هفتگی داشتند

بدرم جناب آقا محمد حسین الفت مرا اغلب همراه خود به این محفل میبردند و از حضور کل استفاده مینمودم . در این محفل مسائل مهمه مطرح و در اطراف آن بحث و مذاکره مینمودند در مواقع تنفس از حضرت نعیم خواهش مینمودند از اشعار تازه که سروده اند برای جمع بخوانند فی الحقیقه همه از استماع آن اشعار نغز و شیوا محظوظ و زبان به مدح و ثنا میگشودند . نجل جلیل ایشان جناب نعیمی همیشه درس های خود را خوب روان نموده و نزد معلمین محبوب القلوب بود و سر این موفقیت مساعدت هائی بود که

و هو الله

یا نعیم عبدالبهاء همواره در قلب حاضری و در خاطری از یادت فراموشی نه و از زکرت فراموشی نیست در شوائسی و سالک موقنی و مهربان ثابت و ثابت طبعی و منقاد منجذب جمال ابهائی و متوجه به طلعت اعلی ناطقی به شانه سبائی بین الوری حضرت صدرالصدور و روحی لوسه الفدا تأسیس درس تبلیغ نمودند و به نهایت همت سعی بلوغ فرمودند و در این گلشن الهی نازم پرورش دارند و لطافت و طراوت بی اندازه بخشیدند مرغان صامت را نالقی کردند . طفلان بی خبر را مبشر جمال جلیل اکبر فرمودند این تأسیس تسلسل یابد و این انوار برقرون و اعصار بتابد حال آن روح پاک بسلکوت الهی عروج نمود و آن ورق با یک بقا طیران کرد و آن پروانه بحول سراج ملاء اعلی پرواز نمود لهدا محکمش در ملاء ارفی خالی ماند عبدالبهار آرزو و مقصد چنانکه این تاج را بر سر تو گذارد تا در محفل آن بزرگوار نوجوانان را درس تبلیغ دهی و حجت و برهان بیاموزی و دلیل و آیات و اخبار بنمائی نورسیدگان ملکوت ابهی را تربیت کنی و بیض ملاء اعلی نشو و نما بخشی تا این تعزیت منتهی شود و تهنیت جدید جلوه نماید و سبب تسلی قلب عبدالبها گردد زیرا از مصیبت حضرت صدرالصدور بعد از مصیبت کبری بسیار متأثر شدم و این در در درمانی و این زخم را مرمی جز آن نه که ملاحظه شود که جای آن بزرگوار شخصی ستور یافته و به نفعه مشکبار مشماهار اعظم میفاید و این را بدان که هر نفسی بی آن روح مجرور گیرد و به تعلیم و تدریس پردازد تا یقینات متنابعاً و متوالیاً در رسد حتی خود او حیران ماند و عليك البهاء الاهی .

خان ورقا برداشته اند
يك نسخه به این عبید
مرحمت فرمودند که اکنون از
لحاظ خوانندگان آهنگ
بدیع میگردد .

درس تبلیغ حضرت نعیم
(جناب سرهنگ عنایت الله
سهراب) را ملاقات نعیم .
ایشان این عکس را که جناب
ایادی فقید امرالله و امین
حقوق الله میرزا ولی الله

اب جلیل ایشان درآموختن
دروس درخانه یا ایشان
میتمودند .
سال گذشته در سفر خود
از رودس به ایران موفیق
شدم یکی از محصلین



شرح عکس :

ردیف ایستاده

نفر وسط ایادی امرالله جناب ولی الله ورقا - نفر چهارم از سمت راست جناب دکتر
لطف الله حکیم

ردیف وسط

از راست به چپ : ۱ - جناب سرهنگ عنایت الله سهراب ۲ - جناب نعیم ۳ - جناب
مجیدی

ردیف پائین

نفر اول سمت راست جناب محمد لیبی - نفر سوم سمت راست جناب عبدالحسین نعیمی
(۴۴۹)



راهی بکوی دوست

(شرح حال دکتر بهرگدا)

ارزندوستان

روزی خواندم که (پره هلاذ) در سن نسه سالگی رفت و به ریاض مشغول شد و توانست در اثر ریاضت به ملاقات خدا نائل شود این موضوع تأثیر شدیدی در من گذاشت و همه وقت این فکر در مغز من رسوخ داشت که من هم میتوانم به این کار موفق گردم بالاخره روزی تصمیم گرفتم سر به کوه و بیابان گذارم و درسی مقصود روان شوم وقتی بخود آمدم که دیدم از شهر مسافت زیادی دور شده ام و در دامنه کوهی میباشم . تنهایی در کوهستان مرا بیمناک ساخت ولی سرگردانی من زیاد طول نکشیده بود که دیدم مرتاضی به طرف من میآید وقتی نزدیک شد او را شناختم همان مرتاضی بود که دو سال قبل چند روزی به منزل ما آمده بود مثل این که همه افکار مرا خوانده باشد جلوآمده دست مرا گرفت و گفت حال برای تو زود است به موقع بمقصود خود خواهی رسید بعد مرا بخانه آورد و بدست مادرم سپرد و تأکید کرد که از من بیشتر مواظبت نمایند .

بیش از چهار پنج سال نداشتم که مرتاضی وارد منزل مسکونی ما در شهر (جیپور) از توابع هندوستان شد . چون پدر و مخصوصاً مادرم روحانی و مذهبی بودند هر مرتاضی که وارد منزل ما میشد تا مایل بود توقف میکرد و از او پذیرایی مینمودند اما این بار مرتاض کسی غیر از برادر پدر بزرگ من نبود که پس از بیست سال ریاضت در خارج برای چندی به خانه بازگشته بود . روزی ضمن صحبت خود گفته بود میآیم و این پسر را با خود میبرم لیکن سر نوشت صورت دیگری داشت . در خانواده ما از قدیم رسم بود که بعضی به عالم رهبانیت و ریاضت وارد میشدند . هفت ساله که شدم روزی مرتاض دیگری به منزل ما آمد او هم ضمن صحبت به مادرم گفته بود از این پسر مواظبت کنید او از شما جهت ریاضت جدا میشود از ناصیه اش هویدا است که در عوالم روحانی قدم میگردد . وقتی به سن نسه سالگی رسیدم و دیگر تا حدودی میتوانستم کتب مذهبی هند و را بخوانم و مطالب را بیاموزم

تحصیل خود را ادامه میدادم و کلاسهای درس را یکی پس از دیگری با موفقیت طی میکردم اما هیچگاه این موضوع از فکر و خیال من خارج نمیشد که باید با ریاضت موفق به ملاقات خدا شوم تقریباً نوزده ساله بودم که مرتاض دیگری به منزل ما آمد روزها گاهی از کتب مذهبی هند و برایم میخواند و شرح میداد ضمن صحبتش میگفت حال وقتی است که مطابق کتب و آثار بایستی ظهور اعظم (کرشنا) شده باشد و مطمئناً این امر واقع شده است. این مطالب عمیقاً در قلب و فکر من رسوخ و افکار مرا به خود جلب میکرد یکی دو سال بعد امتحان لیسانس علم (B. S. C.) را با موفقیت گذراندم در این هنگام با خود گفتم حال دیگر فرصت آن رسیده که به دنبال گمشده خوش بروم و شاهد مقصود را در برگیرم لذا تصمیم خود را طی چندین صفحه در نامه ای برای پدرم نوشتم و بسوی دیار غربت به راه افتادم. آنقدر رفتم تا بمولد کرشنا شهر (مئرا) وارد شدم به امید این که کرشنای جدید باز در همین شهر باشد سه ماه در شهر و اطراف آن به جستجو پرداختم لیکن هرچه بیشتر گشتم کمتر یافتم بالاخره از جستجوی خود مأیوس شدم و بسمت خانه خود باز گشتم و مجدداً برای ادامه تحصیل به دانشگاه دیگری در شهر (بنارس) رفتم و تحصیل خود را تا فوق لیسانس (M.S.C.) در قسمت شیمی ادامه دادم.

در یکی از روزهای اواخر تحصیل پروفیسوری بنام پروفیسور (پرتام سینگه) به مدرسه ما آمد و میهمان معلم ما بود معلم از من خواست که ایشان را جهت گردش در شهر (بنارس) راهنمایی کنم آنچه لازمه وظیفه ام بود انجام دادم و ایشان از من تشکر نموده و مرا دعوت کردند وقتی بشهر (الله آباد) بروم میهمان ایشان باشم.

پس از ختم تحصیلات از (بنارس) عازم شهر خود (جیپور) گردیدم در بین راه به (الله آباد) وارد شدم و دیدن پروفیسور مذکور رفتم این شخص محترم یعنی پروفیسور (پرتام سینگه) یکی از مؤمنین اولیه هندوستان بود که بوسیله جناب زرقانی مؤلف بدایع الآثار تصدیق به امر مبارک نموده بود. وقتی پروفیسور مرادید اظهار محبت کرد و دعوت به توقف در منزلش نمود.

دو سه روزی میهمان ایشان بودم روزها مشاهده میکردم که بعضی از جوانان مسلمان قرآن و مطالب مذهبی نزد ایشان میخوانند از ایشان سؤال کردم آیا شما مسلمان هستید گفتند خیر مسلمان نیستیم. پرسیدم پس چرا قرآن میخوانید گفتند من در همه مذاهب و کتب مذهبی مطالعه مینمایم و کتب آنها را میخوانم. در یکی از شبها که برای ملاقات یکی از دوستانشان از منزل خارج شدند و من تنها ماندم شروع به گردش در اطرافها نمودم در اطاق جناب پروفیسور چشم به کتابی افتاد بنام تاریخ دیانت باب (این کتاب رده ای بر امرالله به زبان انگلیسی بود) کتاب را برداشتم چند صفحه خواندم بعد چشم به شمایل حضرت عبدالیهاء افتاد که در آن چاپ شده بود. در آن وقت ایشان را نیشناختم یک دفعه بارقه ای در قلب من درخشید حس کردم مثل این که بایی از مقصود باز شده و گمشده خود را یافته ام. هر چند جماعات کتاب رد بر امر حضرت بهاء الله و حضرت عبدالیهاء بود اما قلب و دل من میگفت نویسنده این کتاب حقیقت را بیان نمیکند حق بایستی نزد صاحب همین عکس باشد بعد کتاب را گذاشتم و به اطاق خود رفتم صبح روز بعد از پروفیسور در باره کتاب مذکور و عکس که در آن دیده بودم سؤال کردم. پروفیسور متعجبانه از من پرسید مگر شما این کتاب را خوانده اید؟ گفتم

دیشب یکی دو صفحه آن را خواندم اما مطالب کتاب را با حقیقت مطابق نمی بینم .
پروفسور گفتند صاحب این عکس یعنی حضرت عبد البها^۱ بهائی است و ایشان پسر حضرت بها^۲ الله مو^۳ مس دیانت بهائی هستند .
پرسیدم شما هم بهائی هستید گفتند من همه ادیان را تحقیق مینمایم . گفتم من به صاحب این عکس ایمان پیدا کرده ام و قلب من به من حکم میکند که حق همین است و خود را از پیروانشان میدانم . پروفسور در عین حال که از چنین مطلبی تعجب میکرد بسیار خوشحال شد و گفت بلی منم بهائی هستم بعد از مکالمه کوتاهی گفتم آیا ممکن است من این شخص را (منظورم حضرت عبد البها^۱ بود) ملاقات کنم
پروفسور محل اقامت ایشان را اظهار داشتند و گفتند که آقای وکیل میتوانند شما را در این باره راهنمایی کنند . برای من فرصت مناسبی دست داده بود که باین ملاقات موفق گردم چسبون در تحصیل خود و امتحان دانشگاه رتبه اول را حائز شده بودم و از طرف دانشگاه میخواستند مرا برآ ادامه تحصیلات عالی به انگلستان اعزام نمایند و میتوانستم در ضمن مسافرت خود به ارض اقدس هم سفر کنم بالاخره با دلی آکنده از اشتیاق و روحی جدید به شهر خود آمدم و قبل از این که وسائل مسافرت من به انگلستان فراهم گردد نامه ای به آقای وکیل نوشتم و پس از اظهار ایمان تقاضا نمودم که به ملاقات ایشان بروم تا مرا در این خصوص راهنمایی نمایند . بعد برای دیدار ایشان عازم شهر (صورت) شدم . جناب وکیل که یکی از مو^۴ منین اولیه امر در هندوستان بودند با بزرگواری مخصوص خودشان مرا به گری استقبال نمودند و یک هفته تمام در منزل ایشان ماندم و از محضرشان و اطلاعات و معارف امری ایشان

استفاده نمودم . مقداری کتب امری را برای خواندن در اختیار من قرار دادند و از بحر بیکران معارف الهی جرعه های بیشمار نوشیدم . همان موقع عریضه ای به حضور مبارک حضرت عبد البها^۱ جل ثنائی مرقوم داشتند فضل و عنایات مبارک شامل حال گردید و اجازه تشریف داده شد . از آنجا به بمبئی رفتم و اجبای بمبئی را که جناب وکیل معرفی نموده بودند از جمله جناب حکیم جمشید خداداد از مو^۵ منین و مخلصین جمال قدم را ملاقات نمودم و مجدداً به (جیبور) مراجعت کردم . لازم به تذکر نیست که این ملاقاتها و توفیق برگشتن حقیقت ظهور بدیع چه سرور و فرح و چه عوالم روحانی ناگفتنی برای من ایجاد نمود .
با وصول خبر اجازه تشریف امور مربوطه به مسافرت به انگلستان هم حاضر گردید لذا در اوایل سال ۱۹۲۱ با کشتی از هندوستان به جانب پرت سعید حرکت نمودم و از آنجا با ترن عازم حیفاشدم . بعد از ظهر به زیارت مولای عزیز حضرت عبد البها^۱ که بی نهایت مشتاق زیارتشان بودم نائل گشتم تا چشمم بجمال بی مثال آن دلبر آفاق افتاد خم شدم که پای مبارک را ببوسم اجازه نفرمودند و مرا در آغوش خود جای دادند و از فیض بیکران خود این عبد ناچیز را مرزوق نمودند و فرمودند مرحباً مرحباً خوش آمدید خوش آمدید . کلمات و آهنگ صدا همه در اعماق قلبم فرو میرفت .
پانزده روز در خدمت مبارک مشرف و در عوالم روحانی جنت حقیقی سائر بودم و از دریای بی انتهای معارف و کمالات و فضل و الطافشان بهره مند میشدم . در جلسه دو ملاقات به بنده فرمودند که فارسی فراگیرم عرض شد چطور فرمودند شما شروع نمائید من خودم هم روزها میآیم بشما فارسی یاد میدهم فرمودند هر چه

من میگویم شما بگوئید من هم بلافاصله همان جمله را به فارسی عرض کردم فرمودند شما کم کم فارسی را یاد بگیرید . عرض کردم شما کم کم فارسی را یاد بگیرید . فرمودند مناجات فارسی یاد بگیرید و هر روز بخوانید من جمله را تکرار کردم حضرت عبدالبهاء با صدای بلند خندیدند بعد هم باز چند جمله فرمودند هر چه میفرمودند من همان را تکرار میکردم . مختصر این که در مدت توقف در ارض اقدس از برکت عنایت مبارک چند جمله و مناجسات و کلمات مکتوبه را به فارسی یاد گرفتم و در همانجا مصمم به فرا گرفتن زبان فارسی گردیدم و بحمدالله از فضل و عنایت حضرت غصن الله الاعظم موفق بر این امر شدم و از بحریکسران آیات الهی مستفید گشتم . حضرت عبدالبهاء روزی مقصد از مسافرت مرا به انگلستان سووال فرمودند در جواب عرض شد که قرار است از طرف دولت در رشته صابون سازی و روغن سازی در انگلستان تحصیل نمایم . حضرت عبدالبهاء دقیقه ای مک و بعد فرمودند نه بهتر است شما صنعت شکر سازی و شیمی و علم این صنعت را فرا بگیرید بنده عرض کردم که نظر دولت متبوعه این بوده فرمودند من میخواهم که شما این فن را یاد بگیرید زیرا نتیجه خیلی بهتری برای شما خواهد داشت ضمنا بوسیله تلگراف به (لیدی بلافیلد) سفارش مرا فرمودند . وقتی از حضور مبارک مرخص شدم و به انگلستان رسیدم لوحی به افتخار این عبد واصل گردید که مرا مشمول لطف و فضل بی منتهای خود قرار داده و تشویق فرموده بودند که در امر شکر سازی و شیمی مربوطه به آن مطالعه نمایم و وعده فرموده بودند که با تحصیل این فن موفقیت زیادی نصیب من خواهد شد و همچنین امر فرموده

بودند که تبلیغ امرالله نمایم و کلمه الله را به سمع همه مردم برسانم . با وصول این لوح که این قدر مشمول فضل حضرت عبدالبهاء واقع شده بودم خوشحال شدم ولی يك نوع تردید و دودلی بمن دست داد با خود گفتم چطور ممکن است وظیفه ای را که دولت تعیین کرده اجرا نمایم مگر حضرت عبدالبهاء از همه چیز آگاه نیستند لیکن پس از چهار پنج روز به وسیله کمپانی گلاسکو از هندوستان تلگرافی رسید که شعبه تحصیلی خود را تغییر دهم و در قسمت شکر سازی و شیمی مربوطه مشغول تحصیل شوم . وصول این تلگراف چنان تأثیر شدیدی در من کرد که يك دفعه حقانیت و خلافت کلمه حضرت عبدالبهاء بر من مسلم شد و از دودلی خویش خجل و شرمسار گردیدم . باری در دانشگاهی خارج از لندن مشغول تحصیل شدم در این ایام حضرت غصن ممتاز شوقی ربانی که در لندن اقامت داشتند طی مرقومه ای خطاب به این عبد موده فرمودند که به ملاقات من خواهند آمد و با تشریف فرمائی خویش مرا مشمول لطف و عنایت قرار داده فرمودند به لندن به ملاقات ایشان بروم . پس از چند روزی در لندن این زیارت نصیب من شد و همراهی ایشان به منزل دکتر اسلخت برای ملاقات رفتیم بعد در محبت ایشان روی به شهر منچستر نمودیم و در آن شهر به ملاقات احباب نائل شدیم و در اولین ضیافت نورزده روزه منعقد شده در آن شهر حضور یافتیم . شرح این مسافرت در آن موقع در مجله گلدسته (Bouquet)
From the Bahais of Manchester
که از طرف احباب آن نقطه منتشر میشد نشر شده است . بانزده روز در خدمت ایشان بودم و چند روزی از آن را در مریضخانه دکتر اسلخت بسر بردم و تصادفا موقعی بود که

..... راهی بکوی دوست
.....

نسخه تصحیح شده کتاب بهاء الله و عصر
جدید تألیف دکتر اسلضت از طرف حضرت
عبدالبهاء عودت داده شده بود .
پس از يك سال تحصیلات این عید

خاتمه یافت و قصد مراجعت به هند را داشتم
که در آلمان خبر صعود حضرت عبدالبهاء را
باقلبی محزون و دلی آکنده از غم دریافت
نمودم .

تسمت دوم - شرح حیات

تا سال ۱۹۲۳ در آلمان مشغول تحصیل بودم .
در مراجعت به هند باز سعادت نصیب گردید
که به زیارت اعیان مقدسه ارض اقدس موفق
شوم . در آن موقع حضرت ولی مقدس امرالله
در ارض اقدس تشریف نداشتند و به زیارت -
حضرت ورقه مبارکه علیا مشرف شدم . عنایت
مخصوص در حق فدوی مبذول داشتند و فرمودند
چون تو حضرت ولی امرالله را در لندن ملاقات
نموده ای بیا حال با خانواده مبارکه ملاقات
نما . اولین فرد شرقی بودم که از این فضل
یعنی زیارت خانواده مبارکه بهره مند شدم
بعد حضرت ورقه مبارکه علیا کتاب مستطاب
اقدسی را که بیشتر اوقات نزد حضرت عبدالبهاء
بود بمن عطا فرمودند . پس از پانزده روز توقف
در ارض اقدس به سمت هندوستان مراجعت
نمودم و مشغول کار شدم و در ضمن با عضویت
در تشکیلات امریه و محفل طی به خدمات امریه
می پرداختم . همانطوری که حضرت عبدالبهاء
وعده فرمودند روز به روز در کار و امور مادی
موفقیت های زیادتری نصیب من میشد . خانم
بنده و خانواده اش از این که من بهائوسی
شده بودم با من نظر خوبی نداشتند و از من
احتراز می جستند و مشکلات و محدودیت های

زیادی برای من فراهم آورده بودند که بیشتر
باعث زحمت خود آنها شده بود . در سال
۱۹۲۹ باز به زیارت هیکل نورانی حضرت ولی
امرالله موفق و از درگاه فضل و عنایت ایشان
مستفیض شدم . ضمناً در حضورشان عرض
نمودم که خانم من بهائی نیست و مشکلات
زیادی برای من پیش آمده میخواهم از او جدا
شوم اجازه فرمودند و وعده فرمودند در حق
من و خانم دعا خواهند کرد . چند روز پس
از مراجعت روزی خانم به من اظهار داشت
دیگر نمیتوانم اینطور زندگی کنم خسته شده ام
یا توهند و باش یا مرا بهائی کن . گفتم من
دیگر هند و نمیشوم تو را هم نمیخواهم بدین
صورت بهائی کم راه چاره این است که خود
به درگاه خدا دعا کنی تا بتو کمک نماید سه
روز تمام غذا نخورد و دعا و نیایش به درگاه
خدا نمود صبح روز چهارم گفتم من بهائوسی
شدم و حقانیت دیانت بهائی را قبول مینمایم .
علت را سو ال نمودم گفت دیشب در خواب
همان شخص بزرگوار (حضرت عبدالبهاء) را با
موهای سیاه مشاهده کردم که به من گفتند
هر چه او (مقصودش من بود) میگوید راست
است قبول کن و با همین تسبیح ذکر بگو باور

نکردم و به او گفتم اگر ذکر می‌خواهی یکی هر دفعه بگو یا بهاء الابهی او جمله را تکرار نمود دو روز بعد صدق گفتار او ظاهر شد زیرا به من اظهار داشت چرا بمن حقیقت را نگفتی ؟ حضرت عبدالبهاء را به خواب دیدم فرمودند با تسبیح ذکر الله ابهی بگو . بسیار موجب سوره خاطر من شد و دانستم حقیقتا بهائوسی شده . به او گفتم مطمئن باش تو از من موافقتی به دیانت بهائی هستی . از آن به بعد وضع زندگی و خانوادگی من به عنایت حضرت ولی مقدس امرالله عوض و خانم بهائی مخلص خوبی شد همیشه زبان به تبلیغ و مدح و ثنای حضرت بهاء الله می‌گشود و در اثر روش و تبلیغ او بعضی از مستخدمین هم بهائی شدند لیکن متأسفانه در سال ۱۹۴۳ بسختی مریض گردید در روزهای آخر حیات خود روزی به من گفست مایل هستم پسرمان با دختر بهائی ازدواج نماید دختری را در خواب دیده ام که هندو نیست

راهی بکومی دوست

(شرح حال دکتر بهرگوا)

و دور از این شهر زندگی میکند و برای او مناسب است بعد نشانه های کاملی از او بیان نمود . من در آن موقع به این مطلب اهمیت ندادم فکر کردم در حالت کسالت طالبی اظهار میکند یکی دو روز بعد بطکوت ابهی صعود نمود و به آداب بهائی در دهلی بخاک سپرده شد و از طرف حضرت ولی مقدس امرالله هم تلگرافی عنایتا مخابره گردید . مدتی گذشت و این عید جهت پسر خود در تجسس عیالی بودم یکی دو نفر بوسیله دوستان پیشنهاد شدند که به علت عدم موافقت پسر من یا به علی دیگر مورد قبول واقع نشد تا آنکه روزی نامه ای از آقای چودوری عبد الرحمن یکی از احبای مخلص پاکستان دریافت نمودم . ضمن آن نوشته بودند که علاقمند هستند دخترشان را به جوانی بهائی شوهر دهند . به محض وصول نامه یک دفعه به یاد خواب خانم افتادم چون بعضی از طالبان آن را در نامه مشاهده کردم فکر کردم بایستی روئی یای مزبور صحیح باشد لذا در سال ۱۹۵۰ روی به پاکستان نمودم و آقای چودوری عبد الرحمن و خانم و دخترشان را ملاقات کردم خیلی علاقمند باین امر شدم خانم ایشان با این که بهائی نبود و می‌گفست من می‌خواستم دخترم بیک فرد مسلمان شوهر کند موافقت نمود و این ازدواج بخواست خدا انجام پذیرفت بعداً تعلم نشانه هائی که خانم گفته بود با این دختر منطبق یافتم .

(این بود سرگذشت بسیار خلاصه ای

از این شخص محترم که بحمد الله یکی از احبای مخلص امرالله در خطه هندوستان اند مدتها عضو محفل ملی هندوستان بوده و هنوز هم هستند . خانواده ایشان همه بهائی و مخلص هستند . بسیاری از مضاجعاتها و ادعیه فارسی و کلمات مکونه را از حفظ دارند و هر وقت مضاجعات می‌خوانند به زبان فارسی می‌خوانند



لجنه جوانان بهائی شاه آباد غرب

۱۲۴ بدیع



کانونشن محلی جوانان بهائی قزوین بهمن ۱۳۴۶



هشدار

راه هموار سوی عالم بالا نکسی
جلوه حضرت مقصود تماشا نکسی
عالی با خبر از خوبی لیلا نکسی
بهر مهمانی دلدار مهیا نکسی
نگذری تا ز نری روبه تریا نکسی
صرف خوشبختی و آسایش فرد انکسی
از چه یادی دگراز آن سروسودا نکسی
شیوه بندگی از پیشه چو (تنها) نکسی

تا نظر پاک ز آرایش دنیا نکسی
تا مبدل نکسی مرتبه عقل به عشق
تا چو مجنون سر شوریده به صحرانتهی
تا که اغیار نرانی ز دل آن منزل را
خاک را فاصله بسیار بود تا افلاک
عجبا اندکی از مکنت و هستی امروز
با نثار سرو جان وصل بها حاصل شد
عزت و سروری و فخر نیابی هرگز

سلام الله صفائی (تنمیا)

گفتگویی با دکتر امین بنانی



جناب دکتر امین بنانی که از اعضای برجسته جامعه بهائی امریکا میباشند در فروردین ماه سال ۶۶ سفری به ایران نمودند و در اوائل شهریور به امریکا مراجعت کردند. ایشان فرزند ایادی امرالله جناب موسی بنانی هستند و در سال ۱۳۰۵ در طهران متولد شده و تحصیلات ابتدائی و متوسطه را در این شهر به پایان برده سپس در سال ۱۳۲۲ برای تحصیلات عالی به امریکا رفته و موفق به اخذ درجه دکترا در رشته تاریخ گردیده اند. جناب دکتر بنانی چندی در دانشگاههای (استانفورد) و (هاروارد) به تدریس پرداخت و در حال حاضر در دانشگاه کالیفرنیا (لوس آنجلس) به تدریس مشغول است. ضمناً ریاست قسمت ایران شناسی آن دانشگاه را نیز عهده دار است.

دکتر بنانی با خانم (شیلا ولکات) (دختر جناب چارلز ولکات عضو محترم بیت العدل اعظم الهی) ازدواج نموده و دارای دو فرزند بنام (سوسن و سیلا) میباشند. ایشان در اول نقشه ده ساله با همسر خود به یونان مهاجرت کرده مدت ۵ سال در آن اقلیم اقامت داشتند و فاتح روحانی آن کشور محسوبند در ایلام تشریف از لسان مبارک به عنوان (فاتح ابن فاتح) مخاطب شده اند.

جناب دکتر بنانی تا کنون تألیفات ذی قیمتی به انگلیسی انتشار داده اند که از جمله کتاب (نوساختن ایران) - ترجمه و تصحیح و مقابله شاهنامه فردوسی - مقالات متعدد درباره مدنیت اسلام و مقالات امری در مجله بهائی "ورلداردر" را میتوان نام برد.

(۱) در تهیه این شرح خانم (ب. عهدیه) و (ع. صادقیان) همکاری داشته اند.

..... آهنگ بدیع

ایشان در سفر پنج ماهه ای که از طرف دانشگاه لوس آنجلس به ایران کردند تحقیقات علمی در زمینه داری در باره فرهنگ و هنر ایران نمودند و برای تحقیق و جمع آوری اسناد و مدارک به غالب ولایات ایران مسافرت کردند و در نظر دارند در مراجعت به امریکا نتیجه مطالعات و نتایج خود را بصورت کتابی منتشر نمایند .
جناب دکتر بنائی در امریکا مصدر خدمات مهمه امری ملی و بین المللی میباشند و در لجنه بین المللی ارتباط با سازمان ملل - لجنات ملی ارتباط با سازمان ملل - تربیت امری - پیروزی و اهداف عضویت دارند و نماینده جامعه بهائی در کنفرانسهای غیر دولتی سازمان ملل بوده اند . در چندین کنفرانس بین القارات شرکت کرده و به غالب ممالک جهان سفر نموده اند .

.....

در ملاقاتی که در اواخر اقامت این دانشمند جوان بهائی در ایران با وی دست داد سوء الاتی از ایشان بعمل آمد که ذیلا به عرض خوانندگان عزیز آهنگ بدیع می رسد :
از ایشان سوء ال شد شما که رشته تاریخ را انتخاب کرده اید آیا انگیزه خاصی برای این کار داشته اید ؟
جواب دادند - در مرحله اول علاقه فراوانی به مسائل و مواضع تاریخی داشتم و در مرحله ثانی در توفیعات حضرت ولی امر الله بشارت و دستوراتی در باره مورخین آینده بهائی مشاهده میکردم و آرزو داشته و دارم که به عنوان یک نفر مورخ بهائی که مورد نظر مولای عزیز بوده است خدمتی انجام دهم .
چون رشته سخن به تاریخ و تاریخ نویسی کشیده شد سوء ال شد نظر شما در باره تدوین تاریخ امر بهائی چیست ؟

جواب دادند - تدوین تاریخ امر بهائی به روش علمی و دنیا پسند کار آسان و کوچکی نیست ولی غیر ممکن هم نیست . شاید فورا این موضوع به ذهن بعضی از کسانی که به امور علمی آشنا نیستند خطور کند که پس این تاریخ هائی که در امر داریم چیست ؟ در جواب این سوء ال باید گفت کتبی که بنام تاریخ امر اکسون وجود دارند هیچکدام واجد خصوصیات یک تاریخ به معنای علمی که دقیق - مستند و جامع باشند نیستند ولی برای تدوین تاریخ امر در آینده میتوانند به عنوان منابعی مورد استفاده مورخین قرار گیرند .
سوء ال شد برای تدوین تاریخ امر چه اقداماتی باید بشود ؟

جواب دادند - اولاً انجام این کار از یک یا دو نفر ساخته نیست و باید بدست هیئتی از افراد متخصص و ذی صلاحیت سپرده شود . ثانیاً باید مواد اولیه و منابع و اسناد و مدارک که در اصطلاح علمی به (مواد خام) معروفند از همه جا جمع آوری شود - این منابع عبارتند از الواح و آثار مبارکه - کتب امری و غیر امری - (جایی و خطی) عکسها - اسناد - مکاتبات و امثالهم . این منابع باید بدست افراد متخصص بشیوه علمی طبقه بندی شوند و برای آنها فهرست مراجع (رفرنس) تهیه شود و یک (آرشیو تاریخی) به معنای علمی بوجود آید .

ضمناً باید یک عده افراد ذی علاقه برای این کار تربیت شوند که بتوانند در تهیه و تنظیم و تدوین این (آرشیو) همکاری کنند . خوشبختانه چون هنوز در صدر امر هستیم منابع و مواد اولیه برای تدوین تاریخ موجود است . آثار و الواح مبارکه و نامه ها و عکسهای تاریخی (که گاهی هم در آهنگ بدیع چاپ میشود) به حد وفور در خانواده های قدیمی بهائی در ایران موجود است . چه خوب است خانواده های بهائی این اسناد و مدارک ذی قیمت را که دارای جنبه تاریخی فوق العاده میباشند به محفل مقدس ملی بسپارند که محفوظ بماند . چون ممکن است در سالهای آینده ضمن تحویل و تحول و تغییر و تبدیل خانواده ها این

..... گفتگویی با
.....

اسناد دست بدست بگردند و از بین بروند و در سالهای بعد دسترسی بدانها آسان نباشد .
پس از اینکه این اسناد و مدارک فراهم آمد و (آرشیو تاریخی) که بدان اشاره رفت حاضر شد آنوقت کار نهائی که (تدوین تاریخ) باشد آغاز میگردد . تاریخ امر بهائی باید تحت نظر هیئتی از مورخان متخصص بهائی به شیوه علمی که مورد قبول محافل علمی جهان باشد تدوین و منتشر گردد .
از ایشان سو' ال شد نظر شما نسبت به مسائل تاریخی امر چیست . آیا به آسانی میتوان کلیه دقائق تاریخی امر را تدوین کرد ؟

جواب دادند - با اینکه هنوز بیش از یک قرن از ظهور امر مبارک نمی گذرد نکات مبهم و تاریک در بعضی مواضع تاریخ امر مشاهده میشود که مسلماً روشن کردن آنها مستلزم دقت و تحقیق و تتبع و استنتاج علمی است ولی این دشواری ها مانع انجام این کار نمیشود و بطوری که گفته شد هرگاه مقدمات و وسائل کار آماده شود انجام آن دشوار نخواهد بود .

سو' ال شد مسلماً این کار در آینده تحت نظریت العدل اعظم الهی انجام خواهد گرفت آیا اطلاعی دارید که تا کون اقدامی در این باب شده باشد ؟

جواب دادند - تا آنجا که من اطلاع دارم رأساً اقدامی بمنظور تدوین تاریخ انجام نگرفته ولی پس از صعود حضرت ولی امرالله تا کون اقداماتی که از نظر تهیه مواد تاریخ و مراجع مفید است انجام شده . از جمله کلیه توقیعات و مکاتبات هیکل اطهر تدوین و دسته بندی شده قسمت آثار خطی دارالانار بهائی تنظیم و ترتیب یافته و روز به روز برای استفاده آرشیو تاریخی قابل استفاده تر میشود اخیراً اقداماتی در جهت تدوین و تنظیم احکام دیانت بهائی صورت گرفته است . تمام این اقدامات برای تهیه و تدوین تاریخ امر مفید میباشد .

از ایشان سو' ال شد شما که عضویت لجنه بین المللی ارتباط با سازمان ملل را دارید ممکن است درباره تاریخچه و نحوه کار آن توضیحی بدهید ؟

جواب دادند - در سال ۳۴ بواسطه تضيیقاتی که در مهد امرالله حاصل شد هیکل اطهریک عده شش نفری را که از ممالک مختلف بودند برای ارتباط از طرف مرکز جهانی بهائی با سازمان ملل تعیین نموده و شخصاً وظائف و تعلیمات لازمه را به آنها ابلاغ میفرمودند . این لجنه در مواقع ضرورت خدماتی را که رأساً از طرف هیکل اطهر ارجاع میشد انجام میداد و پس از صعود به همان صورت باقی ماند و بدو تحت نظر هیئت مجله ایادی امرالله و سپس بیت العدل اعظم الهی به خدمات خود ادامه داد و در حال حاضر هم هر وقت ضرورت ایجاب کند و خدمتی از طرف آن مقام ضعیف ارجاع گردد انجام خواهد داد .
سو' ال شد درباره لجنه ملی ارتباط با سازمان ملل امریکا اطلاعاتی لطف فرمائید .

جواب دادند - در سال ۱۹۴۸ به دستور هیکل اطهر از طرف کلیه محافل ملی عالم بهائی به محفل ملی امریکا وکالت داده شد که از جانب جامعه جهانی بهائی با سازمان ملل ارتباط برقرار نماید . آن محفل برای انجام این کار از همان سال لجنه ای ملی انتخاب کرد که این جانب مدتی است افتخار عضویت آنرا دارم . وظیفه این لجنه (که اخیراً در دفتري مقابل سازمان ملل مستقر شده است) ارتباط و همکاری دائم و مستمر با سازمان ملل و کمک به برنامه های غیر سیاسی آن سازمان از قبیل حقوق بشر - مبارزه با بیسوادى - رفع تبعیض نژادی - امور حرفه ای - بهداشت - مسائل فرهنگی و علمی و هنری - کوشش برای استقرار صلح و تقاضای بین ملل و برادری و امثالهم میباشد .

..... آهنگ بدیع

از ایشان درباره نحوه کار (لجنة پیروزی) کالیفرنیا که عضویت آن را دارند پرسش بعمل آمد .
جواب دادند - وظیفه این لجنة همانطور که از اسمش پیدا است پیروزی در اهداف نقشه و تأسیس محافل
جدید و انتخاب گروههای سه نفری (امداد) است . این گروهها به نقاط مختلفی که احتیاج به کمک
داشته باشند اعزام میشوند و از انحلال محافل جلوگیری میکنند و خلاصه موجب تقویت اهداف نقشه در رفع
اشکالات موجوده در تحقق آنها میباشد .

در این هنگام چند نسخه " آهنگ بدیع " به ایشان هدیه شد . سو' ال کردم آیا شما آهنگ بدیع را مطالعه
میکنید و نظرتان نسبت به آن چیست ؟

جواب دادند - من با اینکه مدتی است از ایران دورم ولی هرگاه فرصتی دست دهد شماره های آهنگ
بدیع را مطالعه میکنم (ایادی امرالله جناب فیضی برایم میفرستند) شماره های اخیر را هم در ایسران
دیده ام . میتوانم بگویم خادمین آن تا حد زیادی در کار خود موفق شده اند ولی نکته ای را که باید تذکر
دهم این است که " آهنگ بدیع " میتواند و باید وظیفه خود را در هدایت و پرورش و تصفیه و ترقی
ذوق ادبی و هنری جوانان بهائی انجام دهد . ما نباید در نوشته هایمان سعی کنیم از یک سبک بخصوص
تقلید کنیم مثلاً سبک الواح مخصوصاً توفیعات حضرت ولی امرالله قابل تقلید نیستند منظورم این است که
این کار از عهده ما ساخته نیست . نوشته هائی بطور (فرمول وار) از آثار مبارکه تقلید میشوند چسبون آن
روح و معنی آثار مقدسه را ندارند در نتیجه يك مشت الفاظ باقی میماند . خلاصه بطوری که در سالهای
اخیر دیده شده يك نوع (ادبیات فرمولی) در نوشته های امری پیدا کرده ایم که در آنها غالباً مهنی
فدای لفظ شده است . البته در هر کاری افراط و تفریط خوب نیست همانطور که (مطلق گوئی و مطلق نویسی)
خوب نیست مسلماً (ساده نویسی) بیش از حد که در مطبوعات فارسی رائج گردیده زیاد بسندیده نیست
و مسلماً حد وسطی وجود دارد . از اینجا وظیفه اساسی آهنگ بدیع شروع میشود که به صور و اشکال گوناگون
این (حد وسط) و پرهیز از افراط و تفریط را در مقالات - ترجمه ها - اشعار و غیره رواج دهند و به جوانان
بذوق نشان دهند .

در پایان از دکتر بنانی سو' ال شد آیا پیامی برای خوانندگان آهنگ بدیع دارید ؟

جواب دادند - جوانان بهائی باید به خاطر داشته باشند که حضرت عبدالبها* و حضرت ولی امرالله
همیشه تأکید میفرمودند جوانان بهائی در هر رشته که تحصیل میکنند باید سرآمد دیگران باشند و هر علم
و فنی را به سرحد کمال بیاموزند . پس جوانان ما نباید به مراحل اولیه و مقدماتی علوم و بدست آوردن عناوین
مهندس و دکتر قانع شوند و تحقیق و مطالعه را کنار بگذارند بلکه باید تا آنجا که قدرت دارند پیش بروند
و با روشن بینی خاص يك فرد بهائی به تحقیق و تتبع ادامه دهند و در رشته تخصصی خود استاد و علامه
شوند . موضوع بسیار مهمی که باید در اینجا تذکر دهم این است که فعالیت های علمی هیچگونه مغایرتی با
شرکت در تشکیلات و خدمات امری ندارد بلکه به فرموده مبارک آموختن علوم نافع با خدمات امری متمم و مکمل
یکدیگرند . ما قبل از هر چیز باید فکر کنیم که يك فرد بهائی هستیم و به موازات توسعه فعالیت های علمی
خدمات امری خود را نیز وسعت بخشیم و همیشه سعی کنیم دین روحانی خود را به جامعه امر و جامعه انسانی
بوسیله خدمات امری ادا کنیم ما خوشبختانه در حال حاضر در رشته های مختلف دانشمندان و متخصصان
عالیقدر بهائی متعددی داریم که با وجود داشتن مشاغل و درجات مهم علمی مصدر خدمات مهمه امری نیسز
میباشند و این خود باید سومشق مفیدی برای جوانان عزیز جامعه ما باشد .



اعضا تشکیلات جوانان بهائی تبریز ۱۳۴۴ بدیع



کانونشن محلی جوانان بهائی کرمانشاه

آبان ۱۳۴۶

سنت (حدیث)

حسام نقبائی

سنت در لغت به معنسی راه و روش و به اصطلاح عبارت از رفتار اخلاق و گفتار پیغمبر اسلام میباشد که بوسیله روایت و محدثین نقل گردیده است. حدیث دومین منبع و مأخذ حقوقی اسلامی بعد از قرآن مجید است زیرا قرآن به بعضی از مطالب اشاره نکرده و یا بطور مجمل و مخصوص بیان نموده است. ارشاد نبی بمنظور نحوه قانونگذاری و اجرای احکام الهی و تشریح آیات قرآنی از طریق سنت به سه قسم صورت گرفته است:

- ۱ - دستور شفاهی
- ۲ - اخلاق و رفتار
- ۳ - سکوت در مورد اعمال دیگران که نشانه رضایت و تأیید بوده است.

در نظر شیعه رفتار و گفتار و اخلاق ائمه اسلام نیز جز "سنت شمرده شده است".
علل توجه به حدیث

بلافاصله بعد از وفات پیغمبر اشکالات زیادی بحلت عدم نص صریح برای مسلمین بوجود آمد مانند:

- ۱ - مسأله خلافت .
- ۲ - عدم تأدیة زکوة از جانب جمعی از مسلمین که ایمن مسأله را به میان آورد که آیا جنگ با آنان لازم است یا نه ؟
- ۳ - تقسیم غنائم بطوریکه واخت بین مسلمانانی که به زور قبول اسلام نموده با دیگران که به میل و رغبت پذیرفته اند جایز است یا نه ؟
- ۴ - قصاص در قتل دسته جمعی به چه نحو باید انجام

شود .
ه - تکلیف متعه زن و متعه حج چیست ؟
فتوحات مسلمین و اقبال سایر ملل و گذشت زمان مشکلات مذهبی تازه ای بوجود آورد که قرآن رفع آنها را نعیتمد .
بخصوص در فروعات احکام مانند نماز روزه مراسم حج ادای زکوة ازدواج طلاق و غیره ذکری در قرآن نشده است .
در اوایل برای رفع مشکلات به صحابه مراجعه میشد و پیغمبر پیروی از آنان را سبب نجات میدانست فرمود " انما اصحابی کالنجوم با بهیم اقتدیتم اهتدیتم " . ولی بعد از خلافت حضرت علی میان اصحاب بخصوص بعضی از عشره مبشره (۱)

اختلافات شدیدی بروز کرد و مسلمین در مورد اطاعت از آنان به سه دسته شدند:

۱ - دسته ای از مسلمانان کلبه صحابه ای را که با هم اختلاف داشته و به روی هم شمشیر کشیدند کافر و ملحد و واجب القتل دانستند مانند خوارج .

۲ - جمعی دیگر نسبت به آنان بیطرفی اختیار نموده به دلیل حدیث نبوی که هنگام فتنه خود را کنار بکشید و دنبال شترهای خود بروید اینان گناه را منافی ایمان ندانسته و هیچیک را تکبیر ننمودند و حواله آنها را به خدا و آخرت کردند مانند مرجئه .

۳ - گروهی دیگر به طرفداری از یک دسته از صحابه برخاسته دیگری را رد و لعن نمودند نظیر بنی امیه

این دستجات برای رفع اختلاف و تعیین تکلیف علاوه بر زور و شمشیر به حربه دیگری احتیاج داشتند که آن عبارت از حدیث بود .

منشاء حدیث وعل جعل آن

گویا جعل احادیث زمان پیغمبر شروع شد به دلیل حدیث نبوی که فرمود اگر کسی به من نسبت دروغ بدهد مکان او در دوزخ باشد

(صحیح مسلم) و در مورد صحت حدیث که باید باقرآن موافق باشد فرمود " ان الحدیث سیفشوا علی فط اتاکم عنی یوافق القرآن فهو منی و ما اتاکم عنی یخالف القرآن فلیس منی " (کتاب الام از شافعی) . اوایل به حدیث توجه نمیشد بعد که به ارزش آن پی بردند چون مانند قرآن تدوین نشده و محدودیتی نداشت دستخوش اغراض گردید و هر فرقه برای تثبیت موقعیت خود به جعل حدیث پرداخته و آن را به عنوان یک حربه برنده علیه خصم بکار میبرد . از این رو هر قدر از وفات پیغمبر میگذشت احادیث ربه فزونی مینهاد و با ایجاد مکتبها و مشربهای مختلفه در اسلام که از نفوذ سایر ملل برخوردار بود بهترین طریق ورود نظریات سایرین گردید به هر حال داستانهای یهودی حکمت زردشتی فلسفه یونانی بند مسیحی حدیث را متأثر نمود .

بیان اصلی پیغمبر در خاطره ها باقی نماند و اغلب احادیث نقل به معنی میشد و یا استنباط صحابه از عمل و اخلاق پیغمبر یکساخت نبود گذشت سالهایتمادی و فراموشی آنها نیز مانع از بیان حقیقت میگردد و تا واقعه ای رخ نمیداد چیزی

یادشان نیامد . این هرج و مرج افکار نیز سبب بیدایش احادیث متضاد گردید . عامل اولیه جعل احادیث روشن نیست و هر فرقه آن را به دیگری نسبت میدهند و بعضی معتقدند جمعی از یهودیان بظاهر مسلمان بدعتهایی در دین نهادند . عبد الکریم بن ابی العوجاه که مانسوی مذهب بود چون او را برای اعدام به پای دار بردند گفت هزار حدیث مشعر بر حلال و حرام جعل کرده ام .

آنچه مسلم است عوامل زیادی در جعل احادیث دخالت داشته که اغلب با حسب و بغض توأم بوده است . علل عمده آن را ذیلا به نحو اختصار میآوریم :

علت سیاسی - خلفای بنی امیه و پس از آن بنی عباس برای تثبیت مقام و موقعیت سیاسی خود مردم را به جعل حدیث به نفع خود و به زیان خصم برانگیخته دیانت را آلت سیاست و خود را حامی دین و ملت قلمداد میکردند راویان طماع برای تقرب به دربار خلفا به نقل روایات مجعوله در تائید و تصدیق خلافت پرداختند (مقدمه ابن خلدون) .

وقایع جعل صفین خوارج

قیام حضرت حسین مخالفت
عبدالله بن زبیر شورش
زیدیه و دیگران بازار احادیث
را رونق بخشید . نویسندگان
علاوه بر جعل روایات محاسن
اخلاقی زیادی برای عظمت
بنی امیه به معاویه و دیگران
نسبت دادند . (کتاب التاج
از جاحظ) .

روایات در منقبت بنی امیه
زمان بنی عباس منسوخ شد
و احادیثی که وسیله تشهیر
آنان و در تائید و تحسین
خلافت عباسی بود رواج یافت .
سیوطی در کتاب خلفا فصلی
از احادیث در مذمت بنی امیه
و فصلی دیگر در مدح خلافت
عباسیان نوشته است .

اختلاف عباسیان با ایرانیان
شیعیان علویان بر مکیان
و خروج بعضی علیه دستگاه
خلافت و ظهور فرق شعووسی
و ضد شعوبی نیز موجب تقویت
احادیث موافق و مخالف گردید
عباسیان برای از بین بردن
شیعیان و مشروع جلوه دادن
اعمال خود از حدیث کسک
گرفتند و کلمه رافضی را که
بعدها وضع و به آنسان
اطلاق شد در احادیث نبوی
گنجانیدند مانند این حدیث
" قال النبی فی آخر الزمان
قوم یقال لهم الرافضه فماذا
لقیمومهم فاقتلومهم (سیاست

نامه) . هارون الرشید سلاجقه
و دیگران به استناد این قبیل
روایات به قتل شیعیان پرداختند
(بستان العارفین) .

علت مذهبی - اسلام به فرق
متعدد منقسم گردید اهل سنت
خلافت را انتخابی و امامت
را مخصوص خاندان قریش دانند
و شیعه هر دو را در خاندان
علی موروثی نموده و هر فرقه
از شیعه امامت را به یکی از
اولاد علی ختم و او را زنده
و غایب فرض نموده اند و برای
اثبات موجودیت خود به حدیث
متوسل شدند .

اهل سنت احادیثی در مدح
و تائید خلفای ثلاثه (ابابکر
عمر - عثمان) نقل میکنند که
در کتب شیعه نمیتوان یافت
از قبیل " قال النبی لو کان
بعدی نبی لکان عربین خطاب
(حدیقه الحقیقه - سیاست
نامه) " قال النبی ابوبکر
وزیری و القائم فی امتی بعدی
و عمر حبیبی و عثمان منی و علی
اخی " (بستان العارفین) .

هریک از فرق شیعه نیز برای
تثبیت عقاید خود به احادیث
رو آورده اند مثلاً فرقه حنفیه
از شیعه چهار امامیه چون
محمد حنفیه را مهدی و غایب
دانند حدیثی از پیغمبر نقل
کرده اند که فرمود مهدی هم
نام من است (اسمع اسمعی)

اما فرقه دیگر شیعه که محمد
بن عبدالله بن حسن بن علی
بن ابیطالب را امام و غایب
دانند روایت فوق را چنین
آورده " اسمع اسمی و اسم
ابیه اسم ابی " یعنی مهدی
هم نام من و اسم پدرش نیز
هم نام پدر من است .

واقفیه از مذاهب سبعه که
به غیبت و قائمیت امام موسی
کاظم قائلند از صادق آل محمد
نقل کنند که فرمود " سابقکم
قائمکم الا و هو سعی صاحب
التوراة " (مل و نحل
شهرستانی) یعنی هفتمین
امام قائم و هم اسم صاحب
تورات است .

عسکریه که امام حسن عسکری
را آخرین امام دانند روایت
دیگری از امام علی نقی آورده اند
که در صفحه ۷۰ اصول کافی
نقل شده که آن حضرت فرمود
" فرزند من حسن عسکری
خاتمه الائمه و آخرین امام
از نسل علی است ؟ " .

فرقه دیگری که حضرت علی
را امام آخر و غایب میدانند
به این بیان از آن حضرت
استناد میکنند که در جلد ۱۳
بحار الانوار آمده است که
فرمود " انا یعسوب الدین
و غایة السابقین و خاتم
الوصیین و خلیفه رب العالمین " .
اثنا عشریه احادیثی از پیغمبر

آورده اند که ائمه را به ۲ نفر از نسل پیغمبر محدود مینماید و در اصول کافی باب (ماجاء فی الاثنی عشر و النصر علیهم) نقل شده است .
 صوفیه نیز برای موجودیت خود به روایاتی مشبث شده اند و کلمه صوفی را که در قرن سوم هجری وضع شد در احادیث نبوی و غیره گنجانیدند از آن جمله از پیغمبر نقل کنند که فرمود :
 " من سره ان یجلس مع الله فلیجلس مع اهل الصوف " و از علی بن ابیطالب منقول است که فرمود :
 " مع التصوف اربعة احرف . . التاء ترك و توبه و تقاء الصاد صبر و صدق و صفا الواو ودود و وفا و ورد الفاء فکر و قد اوفنا " (ریاض العارفین)
 داستانسرایی - قصه گوئی زمان عمر و عثمان رایج شد ولی حضرت علی همه و عاظ جز حسن بصری را از مسجد بیرون کرد زیرا او دروغ نمیگفت اما زمان معاویه داستان گوئی شغل رسمی شد و با تطبیح در مذمت خاندان علی و مدح بنی امیه داستانها میگفتند بعدها قصه گویان معرکسه گیران و روضه خوانها که هر کدام بنحوی مردم را سرگرم و ازین راه اعاشه مینمودند از جمل هیچگونه حدیثی بسروا

نداشتند تا بر رونق بازار و کسب و کار خود بیفزایند .
 افسانه های ملل نیز از طریق تفاسیر در اسلام وارد شد و مفسرین به نقل از یهودیان تازه مسلمان و دیگران مانند وهب بن منبه کعب الاحبار عبدالله بن سلام داستانهای در تفسیر خود آوردند . این قصص که از منابع خارجی وارد در عالم اسلام گردید تفسیر و تاریخ و حدیث را مختل نمود پیدایش مکاتب فقهی - برای رفع مشکلات دینی که در قرآن بیان نشده طرق مختلفی در نظر گرفته اند که نتیجه آن بوجود آمدن چهار مکتب درین اهل سنت شد و شیعه نیز اصولی و اخباری تقسیم شدند .
 اصولیین در شیعه و مکتب حنفی در سنت چندان بسه حدیث توجه ننموده و مسائل دینی را بوسیله رأی و اجتهاد حل مینمودند ولی اخباریین و نیز مکاتب مالکی و حنبلی حدیث را بعد از قرآن منبع اصلی حل مشکلات دانسته اند علمای حدیث و اخباری در هر موردی که به اشکال برمیخورند که نصی وجود نداشت حدیثی در آن زمینه وضع میکردند (فجر الاسلام) .
 شناسائی حدیث - برای

قبول حدیث صحیح و تمیز آن هر یک از مکاتب شرایط خاصی در نظر گرفتند . در ابتدا ابوبکر و عمر هر حدیثی را با دو شاهد میپذیرفتند ولی حضرت علی با سوگند قبول میکرد . ابوحنیفه حدیثی که مورد قبول اجماع باشد میپذیرفت و اوحد اکثر . حدیث را فقط معتبر میدانند پس از جعل احادیث کثیره علماء و محدثین برای پیدا کردن روایات صحیحه طرقی ارائه نمودند ابتداء در خصوص شناسائی راوی مطالعه کردند که دارای چه عقیده بسود زیرا اغلب مغرض بودند . راه دیگر بررسی و انتقاد در نفس حدیث بود در واقع در بررسی اول به عامل خارجی و در نوع دوم به عامل داخلی پرداختند و حدیث را مورد تفسیر قرار داده با قرآن تطبیق نمودند در اصول کافی آمده " عن ابی عبدالله قال ما لم یوافق من الحدیث القرآن فهو زخرف " البته تطبیق قرآن با حدیث مشکل و نحوه تشخیص همگان یکسان نیست از طرفی احادیث چون آیات قرآن دارای ناسخ و منسوخند در اصول کافی آمده " عن ابی عبدالله قال ان الحدیث ینسخ کما ینسخ القرآن " -

شناسائی روایات از لحاظ ناسخ و منسوخ به قول ابن خلدون از دشوارترین علوم حدیث است .

با مشکلات موجوده فوق علماء قواعد شناختن حدیث را وضع نموده با مطالعه احادیث و تحقیق در باره ناقلین احادیث را از لحاظ درجه صحت و اعتبار به نامهای ذیل طبقه بندی نمودند :

۱ - صحیح

۲ - حسن (خوب)

۳ - ضعیف

۴ - مرسل

۵ - منقطع

۶ - معضل

۷ - شاذ

۸ - غریب

جمع آوری احادیث

بنظری قرآن اشاره به حدیث ننموده و پیغمبر فقط برای نوشتن قرآن کاتبانی تعیین فرمود و برای نوشتن سایر سخنان خود کسی را تعیین نکرد (صحیح مسلم) ولی بعضی این نهی را مربوط به زمان وحی دانند که باقرآن مخلوط نشود .

بعد از وفات پیغمبر همچنان که به تدوین قرآن پرداختند عمر خلیفه نیز ابتدا به فکر جمع آوری احادیث افتاد

بعد به تصور اینکه آن را به قرآن ترجیح خواهند داد منصرف شد . زمان بنی امیه جمعی به فکر گردآوری احادیث افتادند مانند پسر عثمان و عروه بن زبیر و عبید بن شریه جرهیی که کتبی تألیف کردند اولین مدون احادیث را عبد الله بن عمرو العاص دانند ولی از آثار زمان اموی جز چند ورق چیزی باقی نمانده اما زمان بنی عباس این کار رونق گرفت و هر کس احادیثی که صحیح مینداشت جمع میکرد مانند مالک در کوفه عبد الملك جریح در مکه اوزاعی در شام سفیان ثوری در کوفه حماد در بصره . ولی این امر به تدریج از جنبه محلی تجاوز نمود و افرادی برای جمع آوری - احادیث و مبادله افکار مسافرتها کردند .

از میان فرق اسلامی اهل سنت به علت داشتن امام زودتر به جمع حدیث پرداختند و شیعه تا زمان ائمه اقدامی نکردند ولی بعد از بلا تکلیفی شروع به کار کردند و اغلب محدثین معتبر مانند کلینی و شیخ صدوق در زمانی که آنها غیبت صغری ناپیده اند کتب حدیثی که توسط مذاهب مختلفه نوشته شد بعضی بر حسب ابواب فقهی تنظیم گردید مانند الموطا از مالک صحیح بخاری

من لا یحضره الفقیه و برخی بر حسب راوی تدوین شد مانند مسند از احمد بن حنبل . بعضی از محدثین بدون توجه به صحت و سقم احادیث به جمع آوری آنها پرداختند مانند علامه مجلسی نویسنده دائره المعارف شیعه بنام بحار الانوار (۲) که حاوی روایات متناقض است ولی بعضی با تحمل سفر و زحمات بشمار احادیث را از لحاظ اعتبار طبقه بندی نمودند مثلا بخاری ۱۶ سال زحمت کشید تا از میان ۶۰۰ هزار حدیث متداول زمان خود ۷۳۹۷ حدیث صحیح گردآوری کرد . شاگرد او مسلم نیز ضمن سفر به عراق و حجاز احادیث را در کتاب خود به سه دسته نمود احمد بن حنبل در کتاب مسند ۴۰ هزار حدیث جمع کرد کلینی ۲۰ سال کوشش نمود تا اصول کافی را نوشت . شیخ صدوق به عراق و بلخ و غیره سفر نمود تا کتاب خود را نوشت .

از کلیه کتابهای حدیثی که در عالم اسلام تدوین شده شش کتاب از اهل سنت و چهار کتاب در شیعه صحیح دانسته شده و مورد قبول واقع گردیده است

..... سنت (حدیث)
.....

شیخ صدوق
۴ و ۳ - تهذیب الاحکام و
استبصار از شیخ طوسی .

۵ - صحیح نسائی
۶ - صحیح ابن ماجه
کتاب اربعه شیعه عبارت است
از :
۱ - اصول کافی از کلینی
۲ - من لا یحضره الفقیه از

صالح سته اهل سنت عبارت
است از :
۱ - جامع الصحیح از بخاری
۲ - صحیح مسلم
۳ - صحیح داودی
۴ - صحیح ترمذی

۱ - پیغمبر به ده نفر از اصحاب خود بشارت رفتن به بهشت داد که بنام عشره مبشره معروفند بدینقـــرار
ابابکر - عمر - عثمان - علی - عبدالرحمن بن عوف - عبدالله بن مسعود - سعد بن ابی وقاص - طلحه
زبیره بن العوام - ابو عبید جراح .
۲ - آقا شیخ عباس قعی که اهل حدیث و شاکرد علامه المحدثین محمد حسین نوری بود کتاب سفینه البحار
را جهت راهنمایی احادیث مجلدات بحار نوشته است .



لجنه جوانان بهائی حصار (خراسان) ۱۲۳-۱۲۴ بدیع

مسابقه

این صفحه را به اعلام خبری خوش و سپاسگزاری از یاری دیرین اختصاص میدهیم . خیرخوش طرح مسابقه ای است برای نویسندگان جوان و تشکر از یکی از دوستان صمیمی آهنگ بدیع (خواسته اند نامشان مکتوم بماند) که جایزه ای ارزنده برای این مسابقه تعیین و پرداخت آن را تقبل فرموده اند .

موضوع مسابقه نگارش "شرح حیات و خدمات حضرت امة البها" روحیه خانم .

شرکت کنندگان جوانان بهائی که سنشان بین ۱۵ و ۳۵ سال است میتوانند در نوشتن این مقاله شرکت کنند .

مدت مسابقه از آنجا که تهیه اسناد و مآخذ لازم جهت نگارش این مقاله احتیاج به فرصت کافی دارد مقالات رسیده تا پایان سال ۱۳۴۷ برای مسابقه قبول میشود .

شرایط مسابقه

- ۱- مقاله نوشته شده نباید از ۵ صفحه آهنگ بدیع کمتر و از ۲۰ صفحه بیشتر باشد .
- ۲- مقاله باید در دو نسخه تنظیم و باخط خوانا نوشته شود
- ۳- نام - نام خانوادگی - نشانی - تاریخ تولد - شماره و محل تسجيل نویسنده باید کاملاً مشخص باشد
- ۴- مقالات باید با پست به آدرس (طهران - صندوق پستی ۱۲۸۳ - ۱۱) ارسال شود .
- ۵- مقاله باید مستند به مآخذ و اسناد معتبر باشد و در تمام

..... مسابقه

و در تمام موارد مآخذ مطالعه یا مرجع کسب اطلاع در پائین صفحات مقاله مشخص شود .
کلیه مقالات رسیده به وسیله هیئتی از فضلا و دانشمندان بهائی که از طرف آهنگ بدیع
تعیین میشود مورد مطالعه و رسیدگی قرار خواهد گرفت و از بین تمام مقالات پنج مقاله که
بهتر از بقیه تشخیص داده شود انتخاب و از بین این پنج مقاله یکی به عنوان برنده مسابقه
برگزیده میشود .

مخارج رفت و برگشت برنده مسابقه به ارض اقدس جهت
زیارت اماکن مقدسه بهائی

جایزه مسابقه

در صورتی که مقالات رسیده هیچکدام حاوی شرایط فوق و مورد نظر آهنگ بدیع نباشد ممکن
است این جایزه به مسابقه دیگری تخصیص یابد .
آهنگ بدیع از دوستان قدیمی خود که با تقبل این جایزه نفیس موجبات تشویق نویسندگان
جوان بهائی را فراهم کرده اند صمیمانه سپاسگزار است .



گفت و شنود

۱ - جناب دکتر جوانمرد جوانمردی مرقومه مفصلی از تونس مرقوم و هیئت تحریریه را به خاطر تغییرات اخیر مجله در جهت پیشرفت و بهبود مورد لطف و عنایت قرار داده اند . ضمن اظهار تشکر از محبت های ایشان امیدواریم این همکاری قدیمی و ارجحند گاه گاهی این هیئت را با ارسال آثار قلمی خود مفتخر و سپاسگزار فرمایند .

۲ - جناب عباس ضیائی از طهران طی مرقومه ای از این هیئت یاد کرده و در اجاب زیر را برای درج در آهنگ بدیع ارسال داشته اند . ضمن اظهار تشکر رباعی ساخته ایشان را ذیل درج مینمائیم :

با مندرجات بس منیر آمده ای	آهنگ بدیع گرچه دیر آمده ای
مطلوب همه جوان و پیر آمده ای	بر کارکنان با وفایت احسنست

۳ - برخی از خوانندگان ارجمند ضمن پاسخ به سئوالات مطروحه در پرسشنامه ضمیمه شماره يك پیشنهاد نموده اند که صفحه ای تحت عنوان سو^۱ ال و جواب برای پاسخگویی به سو^۱الات خوانندگان در قسمت اصلی یا نوجوانان آهنگ بدیع باز شود . برای اطلاع این دسته از خوانندگان متذکر میگردد که صفحه (گفت و شنود) از چندین شماره پیش به همین منظور مفتوح گردیده و برای طرح سو^۱ال و دریافت جواب در اختیار خوانندگان عزیز قرار دارد . بنابراین خواهشمند است سو^۱الات خود را به نشانی (طهران صندوق پستی ۱۲۸۳ - ۱۱) ارسال و جواب آن را در همین صفحه ملاحظه فرمائید .

۴ - جناب فروزی از طهران مرقوم داشته اند خوست لغات مشکله که در آثار مبارکه و مو^۱لفات نویسندگان امر مندرج در آهنگ بدیع بکار رفته در پای صفحات معنی شود . قطعا جناب فروزی تصدیق خواهند فرمود که انجام این کار بصورت وسیع کلمه و در تمامی موارد بسبب هم سطح نبودن معلومات خوانندگان آهنگ بدیع ممکن نیست معینا سعی خواهد شد نظرایشان حتی المقدور رعایت و در موارد لزوم لغات مهجوره معنی شود .

توضیح و اعتذار

- استدعا دارد اصلاحات زیر را در شماره های گذشته آهنگ بدیع اعمال فرمایند:
- ۱- نویسنده مقاله (عرب کاشی) مندرج در شماره سال ۴۶ آقای نعمت اللسه نکائی بیضائی بوده اند که متأسفانه نامشان در هنگام انتشار از قلم افتاده است .
 - ۲- در آهنگ بدیع شماره ۱۰ سال ۴۶ صفحه ۴۱۶ سطر ۸ " من الحق الی الحق الی الحق " اشتباه است و صحیح آن " من الحق الی الخلق " میباشد .
 - ۳- اصل مقاله وحدت تاریخ مندرج در شماره ۱۰ سال ۴۶ بقلم جناب دکتر فیروز کاظم زاده انگلیسی بوده و ترجمه از آقای الیاس ظهوری است که متأسفانه نام مترجم از قلم افتاده است .

عالم بهائی در سالی که گذشت (بقیه از صفحه)

تعداد کشورهای که در ظل امرالله درآمده اند ۳۱۱ اقلیم - السنه ای که آثار امری بدان ترجمه ششیده ۳۰۷ زبان - طوائف و اقلیت‌هایی که در ظل امرالله وارد شده اند ۱۰۵۴ .
بدین سان امرجهانی بهائی در پیشرفت و تقدم است و در ایام انتشار این سطور مسلماً ارقام فوق‌الذکر روبه فزونی نهاده است .

.....
اکنون ما در پایان چهارمین سال اجرای نقشه جلیله نه ساله و در نیمه راه این خریطه الهیه ایستاده ایم در سال آینده حوادث مهمی در عالم بهائی رخ خواهد داد که مهمترین آنها اجتماع صدها تن از برگزیدگان هشتاد و یک جامعه ملی بهائی در ارض اقدس و انتخاب اعضای دومین بیت العدل اعظم الهی در آن جوار سر انوار خواهد بود تا کشتی بانان جدید سگان سفینه الله را بدست گیرند و راه آن را به ساحل نجات ادامه دهند .

راهی بکوی دوست (بقیه از صفحه)

زبانهای هندی و انگلیسی و اردو و آلمانی و بعضی از زبانهای محلی هندوستان را بخوبی میدانند . دوستان بسیار با نفوذی در دستگاه دولتی هندوستان از جمله قانددین هندوستان آزاد داشته و دارند . به علت ایمان بدیانت بهائی و علاقه به خدمات امریه از قبیل شغل‌های بزرگ و حساسی که تا کون به ایشان پیشنهاد شده بود خودداری کرده اند و خدمت به آستان جمال اقدس ابهی را بر هر چیز دیگر ترجیح داده و میدهند .

فهرست مند رجسات
سال بیست و دوم آهنگ بدیع
۱۲۴ بدیع - ۱۳۴۶ شمسی

آثار مبارکه

صفحه

۲	قسمت هائی از منوی مبارک (بهار روحانی)
۴۶	لوح مبارک حضرت بهاء الله
۹۸	لوح مبارک حضرت عبدالبهاء خطاب به میرزا عبد الله
۱۳۸	لوح مبارک حضرت عبدالبهاء
۱۸۵	مناجات مبارک حضرت عبدالبهاء
۱۸۶	منتخباتی از سوره الملوك
۱۸۸	منتخباتی از الواح روه سا و ملوك
۲۳۳	قسمتی از قد ظهر يوم الميعاد
۳۸۶	لوح مبارک حضرت بهاء الله
۴۳۲	لوح مبارک حضرت عبدالبهاء
۳۰۲	پیام دیوان عدل اعظم الهی اکتوبر ۱۲۶۷

مباحث عمومی

۴	هیئت تحریریه	آغازی دگر
۶	دکتر توکل عنقائی	نوروز دل افروز
۱۵	ع - صادقیان	وقایع مهم امری سال گذشته
۴۹	دکتر محمود مجذوب	عید اعظم رضوان
۷۶	هوشنگ محمودی	شیر عالم
۹۹	۰ خ ۰ ۱	جوانان و ضیافت نوزده روزه
۱۰۲	دکتر باهر فرقانی	سیئات اهل غرب
۱۳۶	صالح مولوی نژاد	مدار افتخار
۱۴۲	احمد یزدانی	حرمت واجتناب از شرب مسکرات
۱۵۰	دکتر باهر فرقانی	حسنات اهل غرب
۱۹۶	دکتر باهر فرقانی	در این سال مقدس
۲۲۶	-	تأثیرات غیر مستقیم امر الهی در عقول و افکار
۳۸۷	هدایت الله رحیمی	بهائیان و حقوق بشر

۳۹۶	دکتر فیروز کاظم زاده	وحدت تاریخ
۴۳۳	ع - صادقیان	عالم بهائی در سال گذشته
۴۴۱	حسنعلی کامران	وحدت اجتماعی سیاسی اقتصادی
۶۸	حسین خدا دوست	گوشه ای از تاریخ
۷۳	تقریر ابوالقاسم افغان	تاریخچه بیت مبارک شیراز
۲۰۱	امیر فرهنگ ایمانی	تقدم امرالله طی یکصد سال
۲۳۵	دکتر محمود مجذوب	موقعیت زمانی طلوع شمس حقیقت
۲۵۰	نصرت الله محمد حسینی	مقدمت تاریخی نزول سوره الملوك
۲۶۶	-	ترکیه
۲۷۷	هما علانی	خاندان چلیبی
۲۸۵	-	مخاطبین الواح ملوک
۳۹۰	ترجمه دکتر محمود مجذوب	ازدواج حضرت عبدالبها
۴۳۸		یک روز تاریخی دردانشگاه استانفورد
۴۴۷	محمد لیبیب	کلاس درس تبلیغ جناب نعیم
۴۵۰	عزیزالله قلیلی	راهی به کوی دوست (شرح حال دکتر بهرگوا) -

مضامین

۷۰		گفتگویی با ایادی عزیز امرالله جناب بنانی
۱۵۵		" با میس شارب
۴۱۰		" با خانم قدسیه اشرف
۴۵۸		" با دکتر امین بنانی

کفرانسها

۳۰۵	جناب علی اکبر فروتن	کفرانس بین القارات کامپالا
۳۰۸	عزیزالله قلیلی	خلاصه گزارش کفرانس بین القارات آسیا
۳۱۵۵		کفرانس بین القارات پاناما
۳۲۲		کفرانس بین القارات شیکاگو
۳۲۶	جاوید دخت هلمت	کفرانس ویلمت
۳۳۲	ن م ۰	کفرانس بین القارات فرانکفورت
۳۳۶		کفرانس بین القارات سیدنی
۳۴۰	شهین مشتاقی	کفرانس سیدنی
۳۴۴	دکتر منوچهر گبرئیل	تأثیرات کفرانس سیدنی در کشور استرالیا

اشعار

۱۱	قآنی	در این بهار
	(۴۷۴)	

صفحه

۱۲	نعیم	بهار و گل
۱۲	دکتر توکل عنقائی	راز و نیاز
۱۳	۰ خ ۰۱	نسیم عطر آلوده
۵۹	دکتر توکل عنقائی	اردیبهشت و رضوان
۷۷	نعمت الله ذکائی بیضائی	باغ بهشت
۱۰۷	من خدا جویم و خدا کویم	این شاعر بهائی کیست؟
۱۱۹	سلمانی	مذهب عشق
۱۴۹	عرب کاشی	دلا در ظلمت هستی ...
۱۵۸	مولانا جلال الدین محمد	این عجب سوداست این
۲۲۵	جناب نعیم	حجت عاشقان
۲۲۵	جناب نعیم	بزم لقا
۲۴۶	انوار محمد آبادی	یوم لقا
۲۶۲	ندیم شهرکی	بحر طویل
۲۷۳	غلامرضا روحانی	عید وصال جانان
۲۸۲	نوری چلبی	خطاب به حضرت ظاهره
۲۹۴	دکتر توکل عنقائی	گنجینه محبت
۳۰۱	ذکائی بیضائی	گلستان ارض سر
۴۰۱	سیروس نراقی	دریای میثاق
۴۰۳	سید مهدی قوام	تضمین بر غزل ادیب
۴۵۷	غلام الله صفائی	غزل
۴۴۶	سعیدی	همسار

نلمه های تاریخی

۲۱	عرضه جناب علیقلی خان نبیل الدوله بحضور حضرت عبدالبهاء
۱۱۰	نامه شیخ محمد علی قائمی به شاه خلیل الله فارانی
۱۵۴	نامه ابوالفضائل گلپایگانی
۳۹۹	نامه ابوالفضائل گلپایگانی به جناب میرزا عزیزالله ورقا

معرفی کتساب

۲۵	مجموعه رسائل
۷۹	منتخبات عهدین
۱۵۹	باده سرگردانی
	ع - صادقیان
	دکتر مهری افغان

گفت و شنود

۲۷ - ۱۲۲ - ۱۶۱ - ۴۱۵ - ۴۷۱

۴۶۹

مطالب متفرقه

۲۳	محمدعلی جمال زاده	خون ناحق پروانه
۵۱	احمد یزدانی	شرحی درباره سوره الصبر
۶۲	ترجمه ا. ظهوری	جلوه حقیقت در طبیعت
۱۱۲	دکتر مهری افغان	اشاراتی از ایقان مبارک
۱۱۵	ع - صادقیان	صعود مروج ممتاز امر الهی
۲۲۹	دکتر علی محمد بر افروخته	دیانت بهائی از نظر تولستوی
۲۴۹		مرقومه جناب طراز الله سمندری
۲۷۵	دکتر مسیح فرهنگی	آرزو دارم
۲۹۵	جناب ابوالقاسم فیضی	زیارت کوی محبوب
۳۰۰	(نقل از مصابیح هدایت)	صفحه ای از یک کتاب
۴۰۳		آقا سید مهدی قوام
۴۰۵	نصرت الله محمد حسینی	کتاب اربعه و صحاح سته
۴۴۵		در کلیسیای وست مینستر
۴۶۳	حسام نقبائی	سنت (حدیث)

عکسهای تاریخی

۱۲۱	جمعی از احبابی میاندوآب در حدود سال ۱۲۸۰ هجری شمسی
۴۴۹	کلاس درس تبلیغ جناب نعیم

فهرست تصاویر

۱۴	جشن جوانان بهائی مرودشت - ۵ شهر البهاه ۱۲۴ بدیع
۱۴	جمعیت جوانان بهائی صحنه در سال ۱۲۳ بدیع
۲۸	احتفال جوانان بهائی مهاباد - ۱۲۳ بدیع
روی جلد شماره ۲۹۳	سی و دومین انجمن شور روحانی ملی بهائیان ایران - ۱۲۴ بدیع
۶۱	جشن ملی جوانان بهائی اصفهان - ۱۳۴۶/۱/۵
۷۱۹۶۴۹ و ۶۳	مناظری از طبیعت
۸۰	جمعی از شرکت کنندگان در ششمین دوره مدرسه تابستانه بهائیان ایران ۱۲۳ بدیع
روی جلد شماره ۴	غرفه بهائی در نمایشگاه جهانی نیس - فرانسه فروردین ۱۳۴۶
۱۰۵	جشن بین الطلی جوانان گرگان - ۱۲۴ بدیع

۱۰۰	جشن روز ملی جوانان بابلسر - ۱۲۳ بدیع
۱۱۰	مروج ممتاز امرالله جناب عباسقلی شاهقلی
۱۲۳	لجنه جوانان سرپل ذهاب - قسمت امری کرمانشاه - ۱۲۴ بدیع
روی جلد شماره ۵	منظره هوائی مقام اعلی و باغهای اطراف آن
۱۴۷	کلاس تزئید معلومات جوانان بهائی خاش
۱۴۷	جوانان بهائی فریدون کنار - بابلسر
۱۵۵	میس شارپ
۱۵۷	جشن جوانان بهائی کلاله - ۱۲۴ بدیع
۲۲۹	تولستوی
۲۴۸	ایادی امرالله جناب طراز الله سمندری
۲۷۷	بیت مبارک در ادرنه
۲۷۸	جناب حاج احمد چلبی
۲۸۰	جناب ابراهیم چلبی
۲۸۱	جمعی از فرزندان و نواده های چلبی
۲۸۵	نابلئون سم
۲۸۶	سلطان عبدالعزیز
۲۸۸	ویلهم اول
۲۸۹	ناصرالدین شاه قاجار
۲۹۰	فرانسوا ژوزف یاد شاه اطرش
۲۹۱	الکساندر دوم تزار روس
۲۹۱	ملکه ویکتوریا
۲۹۲	یاب بی نهم
۲۹۶	مسجد سلطان سلیم
۲۹۷	حضرات ایادی امرالله زائرین بیت مبارک در ادرنه
۳۰۷ و ۳۰۶	دو منظره از کنفرانس بین القارات کامیلا
۳۱۲ و ۳۱۱ و ۳۰۹	مناظری از کنفرانس بین القارات دهلی نو
۳۱۵	هاکت مشرق الاذکار یاناما
۳۱۶	پیتر تیلستون طراح مشرق الاذکار یاناما در حضور امه البها
۳۱۸ و ۳۱۷	هنگام استقرار حجر زاویه مشرق الاذکار یاناما
۳۲۰	جمعی از شرکت کنندگان در کنفرانس یاناما
۳۳۱ و ۳۲۷ و ۳۲۵ و ۳۲۳ و ۳۲۲	تصاویری از کنفرانس بین القارات شیکاگو
۳۳۵ و ۳۳۴ و ۳۳۳	چند منظره از کنفرانس بین القارات فرانکفورت
۳۴۲ و ۳۳۸ و ۳۳۷	چند منظره از کنفرانس بین القارات سیدنی
روی جلد شماره ۹	منظره هوائی حیفا

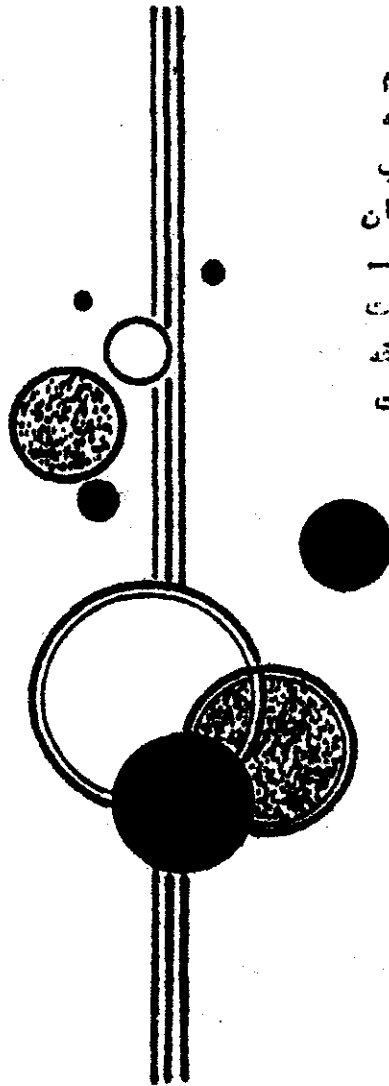
۳۹۲	بیت عبود (منزل کوچک)
۳۹۵	لجنه ملی جوانان بهائی ایران سنه ۱۲۴ - ۱۲۳ بدیع
۴۰۴	جشن جوانان هفتو برازجان - فارس
۴۰۴	جشن جوانان بهائی میاندآب - رضائیه
۴۰۹	جوانان بهائی سبزوار - خراسان
۴۰۹	جوانان بهائی یطرو - خراسان
۴۰۹	جوانان بهائی نامق - خراسان
۴۱۰ و ۴۱۳	خانم قدسیه اشرف
۴۱۴	جوانان بهائی حصار - خراسان
۴۱۴	جوانان بهائی تربت حیدریه
روی جلد شماره ۱۲ و ۱۱	نمازخانه کلیسای وست مینستر
۴۴۰	دکتر دیوید ستار جوردن
۴۵۶	لجنه جوانان شاه آباد غرب
۴۵۶	کانونشن محلی جوانان قزوین
۴۵۸	دکتر امین بنانی
۴۶۲	اعضاء تشکیلات جوانان بهائی تبریز
۴۶۲	کانونشن محلی جوانان کرمانشاه
۴۶۸	لجنه جوانان بهائی حصار - خراسان



قیمت نوجوانان

مطالب این شماره

بیان مبارک حضرت بها^۲ الله - تسلیم
پیش آمد ها نشوید - ایاز پدیر بجه
چویان - پیام ایادی امرالله جناب
فیضی - ازدواج بهائی ازدواج کنندگان
غیر بهائی - رودخانه های کوچک -
رزه یائی از پیروز بهان خدا - مناومات
و محفوظات خود را بیازمائید - سایقه
شماره ۱۱ و ۱۲ - جواب معلومات
خود را بیازمائید - فهرست عمومی



حضرت بهار الله می فرمایند:

مصاحبت ابرار را غنیمت دان و از مراقبت اشرف

دست و دل هر دو بردار

تسلیم پیش آمده‌ها نشوید

ترجمه واقتباس :

فریده سُبْحانی

معروف است " برنارد شاو " نمایشنامه نویس شهیر انگلیسی همیشه در مقابل کسانی که خود را اسیب‌ر بی‌شامدهای زندگی میدانستند سخت بر می‌آشفت . او خود چنین مینویسد " بسیاری از مردم در همه موارد پیش آمده‌ها را مانع موفقیت میدانند اما من به پیش آمد معتقد نیستم . کسانی در زندگی پیش میروند که در جستجوی پیش آمده‌هایی که میخواهند هستند و اگر پیش آمده‌های دلخواه خود را نیابند آنها را ایجاد میکنند "

حتی اگر نظریه " برنارد شاو " را مبالغه آمیز بدانیم باید قبول کنیم بسیاری کسانی که این و آن را اصول عقب ماندگی‌ها و شکستهای خود میشناسند . بعضی از مردم موقعیت‌ها و مشکلات خود را بی پذیرند و زندگی خود را با امکانات موجود وفق میدهند . . برخی دیگر در بدبختی واقعی یا تصویری خود فرو رفته خرد میشوند .

اولین قدم برای پیروزی بر پیش آمده‌ها این است که خود را همانطور که هستیم قبول کنیم . به این وسیله میتوانیم از استعدادات و ودایح نهانی که در وجود داریم بفحو سازنده‌ای استفاده کنیم .
هیاهو و جنجال راه انداختن در برابر حوادث و پیش آمده‌ها کاملاً بی نتیجه و نشانه . عدم تکامل شخصیت است . همچنین تفاوت‌های فردی را مانع موفقیت دانستن و یا انتظار توجه بخصوص از دیگران داشتن نشانه حالتی است که از دوره قبل از بلوغ در شخص بجا مانده است . شناخت تفاوت‌های خود با دیگران و قبول و پرورش استعداداتی که هر فرد دارا میباشد از صفات مشخصه بلوغ است . آنچه را ما موانع و مشکلات مینامیم اگر بخواهیم میتوانند موقعیت‌هایی بوجود آورند که سبب رشد و تکامل ما گردد . همه کس با مشکل بزرگ بتهون یعنی کوری او آشنائی دارد با وجود این او عالیترین موسیقی را بدنیاً عرضه کرد بی آنکه خود قادر باشد حتی يك نت آن را بشنود .

دموستن Demosthens بزرگترین خطیب و سخنران عصر خود لکنت زبان داشت بطوری که در اولین جلسه سخنرانی مورد تمسخر حضار قرار گرفت .
خود و موقعیت‌های زندگیتان را با خوشحالی بپذیرید آنها چون مواد خامی برای ساختن يك زندگی موفقیت

..... تسلیم پیش آمده ها
.....

آمیز و عالی هستند . هر مانعی در حقیقت وسیله و فرصتی است برای رشد و تکامل بیشتر . برای خود ارزش قائل شوید و هرگز در هیچ موقعیتی خود را خوار نشمارید . برخی مردم گمان میکنند وقتی روی احساس حقارت خود تأکید کنند نوعی تواضع محسوب میشود . چنین افکاری نا سالم و خورد کننده است . طرز فکر معمول شما در تمام زندگیتان موثر است افکار ریاس آور شما را بسوی شکست سوق میدهد . شما هم با افرادی برخورد کرده اید که دائما میگویند " من همیشه بد میآرم " " اصلا بد شانس هستم " و از این قبیل . اگر چه ممکن است شما شخصا چنین حرفهایی را نزنید اما بد نیست گاهی از اوقات مراقب سخنان خود در یک روز و حتی در یک ساعت باشید زیرا هر فکر و کلمه منفی مقدمه ای است برای درماندگی و عجز عوامی چون احساس عجز نگرانی و عدم اعتماد بنفس فطری نیستند و از هیچ منبع خارجی که در کنترل شما نباشد سرچشمه نمیگیرند آنها بتدریج در ذهن شما جایگزین شده اند و میتوانید بخوبی آنها را کنترل کنید . آنها عوامل خارجی نیستند که بر ضد شما تجمیع شده باشند بلکه تنها نمایش دهند طرز تفکر شما هستند . باین معنی که برای تواناییهای خود ارزش کمی قائل هستید و در ماهیت مشکلات مبالغه میکنید .

شما با افکار مداوم منفی شکست های گذشته را بخاطر آورده بآنها دوباره جان می بخشید و بیروزیهای گذشته را فراموش میکنید . عاقلانه تر آن است که جریان را معکوس کنید . شکست ها را از یاد بردارید و روی بیروزی ها تأکید کنید . هرگز با افکار منفی زندگی نکنید . راه عملی این کار این است که افکار منفی را همچون اشتباهات دیگر از ذهن خود پاک کنید .

راه دیگر این است که در ذهن خود طوری به مشکلاتان بیندیشید درست مثل این که از جهت معکوس تلسکوپ آن را می بینید یا این که آن را به تدریج از خود برانید تا در نقطه ای دور و تاریک محو شود . ممکن است مجبور شوید بارها اینکار را انجام دهید اما آن قدر پافشاری کنید تا مشکلاتان به تدریج کم شود . خود را بسازید و شخصا در این راه اقدام کنید و منتظر نباشید که دیگری محرك و مشوق شما باشد .

دکتر بیل Peale در کتاب " راهنمای مطمئن زیستن " داستان مرد جوانی را نقل میکند که در تمام زندگیش مغلوب حوادث میشد و هر پیشنهاد اصلاحی دکتر بیل نیز با مقاومت جدیدی از طرف بیمار روبرو میگشت . بالاخره روزی دکتر بیل به او گفت جای بسی تأسف است که زندگی آنقدر با شما کج رفتاری میکند . شما واقعا شکست خورده و درمانده اید دلم به حال شما میسوزد . در اینجا عکس العمل سریع و تندى از مرد جوان ظاهر شد و گفت من شکست خورده و درمانده نیستم و میتوانم خیلی کارها بکنم . دکتر بیل پاسخ داد بسیار عالی است اگر هر روز بر خیزید و مقابل آئینه همین حرفها را تکرار کنید بزودی متقاعد خواهید شد که قدرت و نیرو و امکانات بسیاری در وجود خود دارید .

صحبت از بیروزی به همان اندازه آسان است که صحبت از شکست . اما صحبت از موفقیت بیش از آن دشوار است .
به شکست به قلب گرمی می بخشد .

خیلی از مردم باید یاد بگیرند که چگونه از نیروی حیاتی که در وجود خود دارند یعنی قدرت مبارزه و غلبه بر موانع و مشکلات استفاده کنند .

اشخاصی هستند که اجازه میدهند جریان زندگی آنها را همچون شئی بی ارزشی باز بچرخد خود قرار دهد و هر کس به آسانی آنها را به عقب براند . بالاخره هیچکس جز خود ما مسئول خودمان نیست . تصمیم

بگیرید که بر زندگی خود مسلط باشید . روی پای خود بایستید و راه و رسم خود را انتخاب کنید . بسدون توجه به آنچه که دیگری ممکن است درباره شما بگوید یا بیندیشد .

در هر يك از ما نیروی قوی و نهانی وجود دارد که میتواند زمینه ای برای ایجاد يك شخصیت مثبت فراهم کند . این نیرو را با افکار و اعمال مثبت خود تقویت کرده از آن استفاده کنید . تصمیم بگیرید در مدت روز در مقابل هر حادثه و هر شخص با نشاط ، باحرارت و مثبت باشید .

شخصی که دائما عوامل مثبت را در نظر دارد بزودی خوشبختی و موفقیت را جذب میکند به عبارت دیگر کسب کوشش بی گیر و مداوم برای استفاده از عوامل مثبت چون قوه ای مغناطیسی در درون شماست که جسامتک همه امکانات متناسب زندگی است .

ممکن است موانعی بخواهد شما را پس بزند بگذارید شما را بیازماید ولی نگذارید که مانع پیشرفت شما شود . ضرب المثلی میگوید " در هر زندگی بارانهای باید بیارد باران لازم و سودمند است . فقط یسک چتر بالای سر خود بگیرید و از شدت باران نهراسید "

چنین فلسفه ای خرد نشدنی است و در مقابل ناملايمات حوادث بما ثبات کامل میدهد . طرحی برای زندگی خود بریزید و بهر قیمتی شده نسبت به آن وفادار بمانید . اگر موانع اشیا نیستند بلکه اشخاص هستند نباید به آنها فرصت دهید که در عکس العمل و رفتار شما تأثیر بگذارند .

از شخصی پرسیدند چرا نسبت به کسی که همواره باوجسارت می کرد با مهربانی رفتار میکند او پاسخ داد " چرا بگذارم که او چگونگی رفتار من را تعیین کند "

این شما هستید که باید تصمیم بگیرید چگونه رفتار کنید چگونه فکر کنید و چگونه احساس کنید . عکس العمل شما نسبت به دیگر اشخاص و موقعیتها تنها شما را میآزماید .

هر روز خط مشی خود را تعیین و ثابت کنید و مصمم شوید که علیرغم هر پیش آمدی یا بحرارت مثبت و یا نشاط بمانید بدین ترتیب بخود مسلط خواهید بود و مقتضیات زندگی را بدلتخواه خود بوجود خواهید آورد .

حضرت بهاء الله صفرمایند :

" آئین یزدان با قوت و نیرو بوده و هست زود است آنچه

از زبان گفته شد در ظاهر دیده شود . "

ایاز پسر بچه چوپان

این داستان را حضرت عبدالبها در موقعی که امة الله لوا گسیفگر مشرف بوده بسرای ایشان بیان فرموده اند و امة الله فی مکسول والده مکره حضرت روحیه خانم مضمون آنرا که به خاطر داشته اند در مجله نجم باختصر سال ۱۹۲۲ منتشر ساخته اند که ترجمه آن اینک بنظر نوجوانان عزیز میرسد :

روزی پادشاه با درباریان و خاصان خود سواره گردش مینموده از پشت زمین اسب خورجی را گشود و مشتى جواهرات قیمتی در آورده بر روی جاده بنفشاند . همراهان پادشاه توقف نموده از اسب پیاده شدند و به جمع آوری هدایای پادشاه محبوب خود مشغول شدند و تنها ایاز (۱) بود که در کنار پادشاه باقی ماند و چشمانش بر روی او دوخته شده بود و دیده از رخسار او بر نمد داشت . درباریان زمزمه آغاز نموده با یکدیگر میگفتند " ببینید ایاز چگونه هدایای پادشاه را ناچیز میانگارد و برای کسب این افتخار بخود زحمتی نمیدهد . پادشاه روبه کرده گفت " چطور است . ایاز آیا تو هدایای مرا حقیر و ناچیز میدانی ؟ " ایاز در جواب گفت : " من هیچوقت چیزی از شما طلب نکرده ام جز این که بدیدار روی شما مفتخر گردم این افتخار برای این غلام کافی بوده و خواهد بود .

(۱) ایاز پسر بچه چوپانی بود که در دل آرزوی جز دیدار روی پادشاه زمان (سلطان محمود) نداشت وقتی به تصادفی به بارگاه شاه راه یافت و محبت و اخلاصش چنان بر قلب سلطان اثر گذاشت که او را ملازم و معتمد خاص خویش ساخت و از این رو مورد حسادت درباریان بود . حکایت حال ایاز صفا و محبت بی ریایش در ادبیات فارسی ضرب العطل شده است .

رودخانه‌های کوچک

ترجمه و نگارش: فریدون سلیمانی

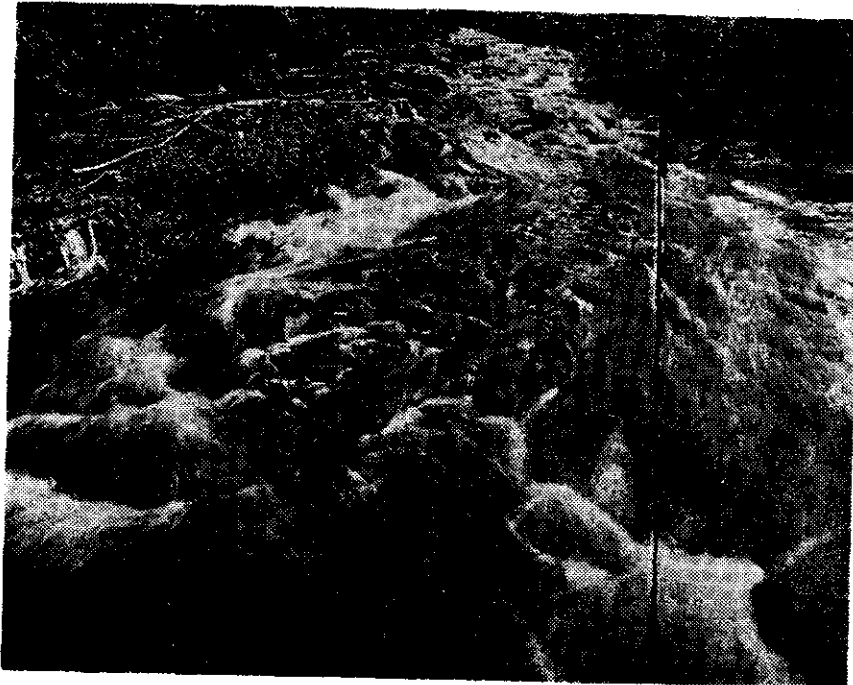
لحظاتی زودگذر از هیاهوی آد میان نجات یافته خاطرات دوران گذشته را يك يك به ياد می‌آورد .

جست و خیز دوران کودکی - رو* یا‌های شیرین جوانی - غم ها و شادی های دوران زندگی و هزاران خاطرات دلپذیر از دوران زود گذر را در هنگام گردش در ساحل رودخانه ای که سالها از جلوخانه پدران ما گذشته و شاهد زندگی اجداد ما بوده است و خود ما از وقتی که چشم گشوده ایم آن را دیده و قایق خود را برای اولین مرتبه به جریان آن سپرده و بالاخره اولین گلهای عشق و جوانی را در ساحل آن چیده ایم به خاطر می‌آوریم . زیبایی و شخصیت يك رودخانه را نمیتوان نه در آب و نه در ساحل آن جستجو نمود هر يك از این عناصر به تنهایی خالی از لطف و زیبایی است . اگر آب روان زیباترین جوینها را در میسان دیوارهای سنگی بلند محصور کنیم هرگز زیبایی دل انگیزی نخواهد داشت زیباترین

در میان مظاهر طبیعت يك رودخانه * كوچك بیش از هر چیز دیگری شایسته دوستی انسان میباشد . رودخانه برای خود يك زندگی زیبا و صفات مخصوص بخود دارد . با زمزمه دل انگیزش سخن میگوید و در روش همچون شاخه نیشکسر بر از شیرینی و لذت است . موسیقی دلپذیرش گاهی نشاط بخش و زمانی غم افزاست . نسوای مبهم و فرح بخشی است که به همراهی نسیم بهاری از قلل کوهها میگذرد و به سرزمینهای دور دست سفر میکند .

زیبائی يك رودخانه نه مانند دریا‌های بسزرگ بر خروش و تلاطم است و نه مانند کوه‌های سربه فلک کشیده آرام و خالی از احساس بلکه همچنان که پرندگان لانه های خود را در میان شاخ و برگ درختان بنا میکنند يك رودخانه * كوچك عمیقترین و دلپذیرترین خاطرات ما را در دل آبهای گذران خود جای میدهد .

در گردشهای کنار رودخانه است که انسان از تخیلات تنهایی خود لذت میبرد و بسرای



..... رودخانه ملای کوچک

میشود و به خزه های سبز رنگ روشنایی و جلا
 میبخشد و مرداب آراهی را که از گلهای سفید
 رنگ زیبا پوشیده شده به چمنزارها میفرستد
 ساحل مسیر رودخانه را معین میکند . هدایت
 جریان آب را به عهدہ میگیرد زمانی حرکت
 آن را کند میسازد و گاهی به سرعت به جلو
 میفرستد در یک جا آن را از بستر پر پیچ و خم
 عبور میدهد و در جای دیگر مانند رتبه سوران
 وحشی که به خانه خود پرواز میکنند در مسیر
 مستقیمی قرار میدهد یک لحظه آن را بر سر
 بوته های سبز رنگ پنهان میسازد و لحظه
 دیگر چون آیته ای که قابی از گلهای مرواریدی
 داشته باشد تصویر آسمان را با ابره های
 پراکنده اش در آن منعکس میکند . زمانی با

بستر رودخانه را اگر بدون آب تصور کنید جسز
 یک جاده زشت و پر سنگلاخ که هیچ مسافری
 رغبت نمیکند از آن عبور کند چیز دیگری نیست
 همچنان که زندگی ما از اتحاد روح و جسم
 تشکیل شده هم آهنگی ساحل و آب رودخانه
 را بوجود میآورد و وجود هر یک برای دیگری
 ضروری است زیبایی ساحل در اثر جریان آب
 بوجود میآید در یک نقطه از خشکی پیشش
 میرود و خلیج کوچکی پدید میآورد در نقطه
 دیگر با ایجاد یک مسیر باریک جویبار زیبایی
 درست میکند . با کشش زندگی بخش خود
 بوته های گل وحشی را به ساحل جذب و
 شاخه های درختان را به روی خود خم میکند
 لبه های سنگی مسیر خود را از خس و خاشاک

بلکه هدفی شما این است که ضمن شناختن
خواص غیر قابل توصیف رودخانه از یک روز خود
لذت ببرید و قبل از رسیدن غروب آفتاب در کلبه
خود باشید و اگر در این گردش دلپذیر
رودخانه را به عنوان راهنما و دوست خود
بپذیرید بهترین معلم را برای معرفی و شناساندن
زیبائیها و افسونگریهای طبیعت برای خود
انتخاب کرده اید. در کنار مسیر رودخانه
به همراهی جریان آب از جنگلی خواهید گذشت
که گیاهان آن تازه جوانه زده است سپس
در مسیر خود به نقطه ای خواهید رسید که
بهتر است آن را کارگاه نقاش بنامیم در اینجا
مشاهده میکنید که چگونه نقاش طبیعت
سراسر ساحل رودخانه را از گلهای وحشی زینت
بخشیده است همین که چندی از بهار گذشت
و سرخسها برگهای خود را چون موی پری رخن
مجمد و پیچیده کردند و دسته های گلهای
بنفشه برنگهای آبی و سفید رقص دلپذیر
خود را آغاز کردند و متهورانه بروی آب خزیدند
آن وقت شما میتوانید کمال طبیعت را در آغوش
رودخانه مشاهده کنید و به بینید که چگونه
نقاش نامرئی طبیعت هر لحظه مظهر زیباتری
بشما نشان میدهد.

برای شناختن انواع پرندگان و شنیدن آوای
دلپذیر آنان جایی بهتر از کاره یک رودخانه
نمیتوانید پیدا کنید مخصوصا وقتی که روز به
انتها میرسد و اشعه خورشید بر روی سرگ
درختان لحظه به لحظه کمرنگ تر میشود و
حشرات کوچک آخرین رقص روزانه خود را به
پایان میرسانند و صدای رودخانه هر لحظه
بلندتر و مشخص تر بگوش میرسد در این هنگام
است که شما آوای ملکوتی پرندگان را در حالی
که با نوای فرحبخش رودخانه درهم آمیخته
است میشنوید. شعرای واقعی این موقع را بهترین

یک گردش ناگهانی آن را میشکند و از ایمن
حرکت غیر منتظرهائی که با قهقهه مستانه
خنده بر طبیعت میزند بوجود میآید و گاهی
حرکت آب را چون موجودات خواب آلودی میکند
که غرق در رو پاهای شیرین خود شده باشند
به عبارت دیگر رودخانه ها مانند اشخاصی
هستند که آنها را میشناسیم و به آنها محبت
میورزیم. همچنان که نمیتوانیم صفات و حالات
مخصوص به آنها را از ایشان منتزع کنیم
رودخانه و گذرگاهش قابل انفکاک نمیشوند.
مسافرت با ترن در مسیر عبور جویبارها و رودخانهها
کوچک جقدر لذت بخش و نشاط انگیز است
در این موقع وقتی مسافر خسته ای سر خود را
از پنجره ترن خارج میکند هزاران مظهر زیبائی
خستگی را از جسم و روح او خارج میکنند. در
یکجا آسیابی است که سنگ آن به کندی چون
اشخاص خواب آلوده حرکت میکند در جای
دیگر آبشار کوچکی است که امواج کف آلوده اش
صدائی شبیه به حرکت یک نواخت ترن دارد
آنطرف تر برکه آبی است که گاوها پاهای خود
را تا زانو در آن فرو برده و با بی اعتنائی
فلسوفانه خود نشان میدهند که در نظر آنها
"جهان و هرچه در او هست جمله هیچ در
هیچ است" قدری دورتر بر روی تخته سنگی
بزرگ پیرمردی نشسته که صورت برچین
و آفتاب خورده اش نشان میدهد که مجذوب افکار
و اندیشه های خموشتن است به چویدستی
خود تکیه داده و قلاب خود را در آب تکان
میدهد وقتی ترن در مسیر خود دور میزند
شما یکبار دیگر او را می بینید که نگاهش به
نقطه مجهولی دوخته شده و قلابش را با بی
صبری در آب میگرداند. قصد شما از گردش
در ساحل یک رودخانه کوچک نه کشف جدید
علمی است و نه ایجاد حوادث پرهیجان

فرصت برای الهام گرفتن از طبیعت میداند . هرگز آن روزی را فراموش نمیکنم که برای صید ماهی به ساحل رودخانه ای رفته بودم در آنجا در فضای باز و آرای در کنار رودخانه دام خود را به آب افکندم آغاز بهار بود و درختان تازه شکوفه کرده بودند در بالای يك درخت كوچك كه بیش از چند قدم با من فاصله نداشت پرندۀ كوچك و زیبایی را دیدم كه نوک تیز خود را بر روی سینه اش كه از كركهای سفید پوشیده شده بود گذاشته و چشمهای درخشانش نشان میداد كه تمام وجود و جان خود را در نغمه های سرودی كه میخواند گذاشته بود آوای دلپذیرش به صدای زمزمه جویبار می پیوست و آن چنان اوج میگرفت كه گوئی راه ابدیت را پیش گرفته است و من هرگز نتوانستم تفسیری برای موسیقی دلپذیر او قائل شوم و بهتر است بگویم كه " عشق در جستجوی کلماتی است كه خود را در آنها بگنجاند "

رودخانه های كوچك دارای مسئولیتهای كوچکی هستند كه در خور كوچکی آنهاست البته ما انتظار نداریم كه كشتی عظیمی بتواند در ساحل این رود های كوچك پهلو بگیرد و یا اینكه از نیروی آب آنها چرخهای كارخانه های بسزرگ به حرکت درآید و یا ماهیهای عظیم الجثه در آب آنها صید كنیم بلکه همینقدر كه بتوانند مسیر خود را به آرای طی كنند و چمنزارهای اطراف خویش را خرم و سرسبز نگاه دارند و با ایجاد بركه های زیبا تنوعی در مسیر خود ایجاد كنند كافی است . طبیعت از هیچكس نخواستۀ است كه كاری خارج از توانائی خود

انجام دهد بلکه هر كسی اگر نقش كوچك خود را بخوبی ایفا كند مسلماً در سنفونی بزرگ این دنیا نوت خارج از آهنگ نیست ما نباید صرف این كه همرو دانه اشعار با شكوه ساخته اند از سرودن غزل كوچکی كه در توانائی ماست خودداری كنیم و بخاطر این كه آهنگهای پر عظمت ار كستر فیلا رمونيك شهر خود را شنیده ایم از نغمه فرحبخش نی بسرك چو بان در كلبه روستائی خویش لذت نبریم . ولی نه تنها كسانی كه نقشهائی كوچك را به عهده دارند اهمال میکنند بلکه گاهی مشاهده میشود كه حتی آنهائی كه قسمت بزرگی از این سنفونی جهانی را با یستی اجرا كنند از ایفای نقش خویش خودداری میکنند اغلب مردم با افكار پوچ و بی معنی دنیا و زندگی را بر خود سخت میگیرند نیی از عمر خود را صرف انتقاد از وضع اجتماع میکنند و نیم دیگر را فدای حرص و شهوات زندگی . در حالی كه اگر عاقل باشند سهم خود را در صحنه حیات ایفا کرده و هنگامی كه با قایق كوچك خود از مسیر سرسبز كناره رودخانه عبور میکنند این افكار كشنده خود را به دست باد صبا می سپارند و به درگاه خدا شكر میکنند كه نعمت زندگی را با این همه مظاهر زیبا به آنها عطا فرموده است .

روایانی از پسر وزیهای خدا

از: جمیع تاوتزند

ترجمه: نورانخت رحیمی

آنجا در افق های دور دست من به اولین طلیمه خورشید درود میفرستم و در ژرفنای تاریکی ها
سرود روشنایی میسرایم .
شکوه خدا بر سراسر آسمان گسترده است و جلال و زیبایی او بر قله کوهها بوسه میزند و عشق او قلب بشر را
صفا میبخشد .
شب بسر می رسد و سواران تاریکی در قمر دره ها سرنگون میشوند . ستاره ها فرو میریزند و آسمان باشکافی
عظیم بدو نیم میشود .
در دورترین نقطه آسمان از چشمه های دانش رود های زندگی جریان میابد و میزبانان بهشت نغمه شکوه
و پیروزی خداوند را میخوانند .
انسانها در خواب میلرزند و رعشه بر اندام ملل و دول می افتد . دروازه های جهنم بر روی آخرین گروههای
خود باز میشود . تاریکی بکجا فرار میکند و سپاه شیطان به کجا پناه میبرد؟ یأس و نومیدی قلوب آنان را
سخت کرده و مرگ بر سر آنان سایه افکنده . آنان که دم از خرابیها میزدند حالا خود محو نابود شده اند
زیرا زمان سلطنت خداوند و پیروزی های اوست . عشق او جهان را لبریز کرده . در بهشت او خزائن کرمش
بروی دوستان باز شده و هدایای لطف خداوندیش بر سر روی خاکیان بی مقدار فرو میریزد .
آنجا مرگ نیست . ظلم نیست . اشک نیست . خداوند بر تخت سلطنت خویش مستقر گشته و قلوب
را تسخیر نموده .
پس در ژرفنای تاریکی ها با سرور روشنایی ها من به سر چشمه ابدی نور درود بی پایان میفرستم .

معلومات و محووظات امرى خود را بيازمائيد

آيا مي توانيد جاهلي خالي را در آيات ذيل كه از كتاب مستطاب اقدس نقل شده است با اين لغات پركنيد ؟
الف - انصروا - بعد - بالاعمال - جنود - دخلنا - صرفت - طالعتنا - عرفني - قبل - لملك - ليظهر -
للعاقل - مضت - ملكي - يدعي - يشرب - يذكرني - يقعد - يطلب .

- ۱- من امر قبل اتمام سنة كاملة انه كذاب مقتر .
- ۲- هذا دين الله من ومن من اراد فليقبل ومن لم يرد فان الله لعنني عن العالمين .
- ۳- انا ما المدارس وما المباحث .
- ۴- ليس ان ما يذهب به العقل .
- ۵- تزوجوا يا قوم منكم من بين عبادي .
- ۶- مالك البريه الحسنه ثم بالحكمة والبيان .
- ۷- طوبى لايام بذكر الله ولاوقات في ذكره الحكيم .
- ۸- من يقوم على خدمتي بقيام لا تقعه سموات والارضين .
- ۹- ابغض للناس عند الله من و تمسكوا بحبل الاسباب متوكلين على الله مسبب الاسباب .
- ۱۰- طوبى قام على نصره امرى في وانقطع عن سوائى .



مسابقه

شماره

۱۱-۱۲

از شماره اول سال جاری در هر شماره نه سو ال از مطالب يك كتاب انتخاب ميكنيم كه اگر آن كتاب را بخوانيد ميتوانيد به آنها جواب بدهيد . به حكم قرعه به يك نفر از کسانی که به این سوالات پاسخ صحیح بدهند جایزه تقدیم خواهد شد .
سوالات این شماره از کتاب " بیان حقیقت " و جایزه برنده يك جلد كتاب آثار حضرت بهاء الله خطاب به ملوک و رؤسای ارض است . جواب های خود را به آدرس (طهران - صندوق پستی ۱۲۸۳ - ۱۱) ارسال فرمائید .
به هريك از کسانی که به پنج مسابقه از این سلسله مسابقات جواب صحیح بدهند نیز جایزه ای تعلق خواهد گرفت .

- ۱ - كتاب بيان حقیقت تألیف کیست و دارای چه جنبه و یا جنبه هائی است ؟
- ۲ - سجن اعظم چند سال طول کشید ؟
- ۳ - حامل لوح سلطان که بود و عاقبت او چه شد ؟
- ۴ - حضرت بهاء الله در یکی از الواح فارسی شرط آسایش رایاکی از آسایش ذکر میفرماید آسایش و آسایش چیست ؟
- ۵ - مسافرت حضرت عبدالبهاء بارو و امریکا در چه سالی صورت گرفت و مقصد هیکل مبارک از این سفر چه بود ؟
- ۶ - پس از صعود حضرت عبدالبهاء تا زمان جلوس حضرت ولی امرالله چه کسی اداره امور امریه را بدست داشت ؟
- ۷ - طبق کدام سند حضرت شوقی افندی را بعنوان ولی امرالله می شناسیم و این سند از کیست ؟
- ۸ - دوره ولایت حضرت ولی امرالله چند سال طول کشید ؟
- ۹ - علت تشرف آقاسیدیحیی دارایی بحضور حضرت اعلی که منجر به تصدیق وی شد چه بود ؟

امری چه تشریفاتى دارد و پس از مراجعه و مذاکره حضوری معلوم شد که اجرای عقد امری این دو فرد خوشبخت مورد قبول محفل نیز هست و سپس از آقای ت. اس. اندریوز رئیس محفل محلی اوتاوا تقاضا شد شخصاً مراسم عقد را اجراء نمایند. پس از دریافت رضایت از والدین طرفین محفل اجازه عقد را صادر نمود. عروس و داماد و مضاجات انتخاب نمودند که با خطبه عقد بوسیله دوشیزه هاروی و آقای آندریوز تلاوت شد و این مراسم با اعضاء دفاتر تکمیل گردید. حدود چهل نفر مهمان در این مجلس حضور داشتند که اغلب آنان کلیعی بودند و بسیاری از آنان شکوه و ابهت این مراسم را با سکوت و توجهی کامل اجرا گردید میستوند حتی پیشخدمت ها از آشپزخانه باین تشریفات و تلاوت آیات گوش میدادند. "جان و" و "ترور" پس از انجام مراسم عقد اختیاتی و علاقه خود را برای کسب اطلاعات بیشتری در خصوص امر بهائی ابراز داشتند.

جواب معلومات و محفوظات امری خود را بیاورائید

- ۱- یدی - الف
- ۲- قبل - بعد
- ۳- دخلنا - طالعنا
- ۴- للعاقل - یشرب
- ۵- لیظهر - یذکرنی
- ۶- انصروا - بالاعمال
- ۷- مضت - صرفت
- ۸- عرفنی - جنود
- ۹- یقعد - یطلب
- ۱۰- لملک - مملکتی

بسیار خوب	۲۰ جواب صحیح
خوب	تا ۱۵ "
ضعیف	تا ۱۰ "
بسیارضعیف	تا ۵ "

فهرست عمومی مندرجات
قسمت نوجوانان

آثار مبارکه

صفحه

۳۲	بیان مبارک حضرت عبدالبها*
۸۴	بیان مبارک جمال قدم
۸۵	از مثنوی مبارک
۱۲۶	بیان مبارک حضرت عبدالبها*
۱۲۷	قسمتی از نطق مبارک حضرت عبدالبها* در خصوص جنگ دنیا
۱۶۴	قسمتی از کلمات مکتوبه
۱۷۱	از بیانات مبارکه حضرت ولی امرالله
۳۴۹	قسمتی از یکی از الواح مبارکه حضرت بها* الله
۳۵۰	لوح مبارک حضرت عبدالبها*
۳۵۲	لوح مبارک حضرت عبدالبها*
۳۵۶	خیمه شب بازی
۴۱۸	بیان مبارک حضرت بها* الله
۴۸۰	بیان مبارک حضرت بها* الله

مطالب عمومی

۳۳	سر آغاز	کمیسیون نوجوانان آهنگ بدیع
۳۴	رسم ره این است	دکتر علیراد داودی
۳۶	راههای پرورش شخصیت	ترجمه و اقتباس شمیمه ضرغام
۴۲	چند کلمه درباره تشجیل	
۸۶	اعتماد بنفس و موفقیت	ترجمه و اقتباس فریده سبحانی
۹۳	چند کلمه درباره ضیافات نوزده روزه	
۱۲۸	نگرانی بیماری قرن ما	اقتباس
۱۶۵	مطالعه و راههای استفاده از آن	ترجمه شمیمه ضرغام
۱۷۱	وجوب اطاعت از مصوبات محافل روحانیه	
۳۵۳	صلای عام	دکتر ایرج ایمن
۴۱۹	تنها گفتن بسیار خوب کافی نیست	
۴۸۱	تسلیم پیش آمدها نشوید	ترجمه و اقتباس فریده سبحانی

مطالب متفرقه

۳۸	فخر الشهدا* کیست؟	جناب اشراق خاوری
۳۸	شهدای تبریز	" " "

۳۹	جناب اشراق خاوری	برای آزمایش هوش
۴۰		دنیای عجیب حضرات
۸۹		سه قطعه از بدایع الآثار
۹۰		تقوم بهائی
۹۱		در شهر عسل چه میگردد
۹۴	مهاتما گاندی	دعا و مناجات
۹۴		از رابرت براونینگ
۱۳۲	حسن محبوبی	دو خاطره
۱۳۳		از کتاب راز آفرینش انسان
۱۶۷	روحی ارباب	بریک ویل
۱۶۹	هوشنگ شائق	آتوی کوچولو
۱۷۳	ترجمه ۱ . ظهوری	عدالت یا شگجه
۳۵۸	فریدون سلیمانی	اعلان امر مظاهر الهیه
۳۶۵		مارتاروت
۳۶۷		علیا حضرت ملکه رومانیا
۳۶۹	پریچهر قارداش	گوشه ای از کفرانس هند
۳۷۲	نعیم رضوی	نظری به پیشرفتهای علوم و معارف
۴۲۴		سفر مرگ
۴۲۶		هدیه
۴۸۵	۴۸۴ ایاز پسر بچه جوان	پیام ایادی امرالله جناب فیضی
۴۸۶		ازدواج بهائی - ازدواج کنندگان غیر بهائی
۴۸۷		رودخانه های کوچک

مطالب ادبی

۳۹	جنت هریسون	ای خدای ملل و اقوام
۴۱	فرهمند مقبلین	نغمه سروش
۱۳۰	ترجمه فریدون سلیمانی	شکیبائی
۱۳۱	غلامرضا روحانی	لقز
۱۷۲	تامس الیوت شاعر انگلیسی	وحشت
۳۶۳	همایون محمودی (امریکا)	پیامبر
۳۷۴	والث ویتمن	شهر بزرگ
۳۷۵		سخناتی از پنجاه تنترا
۳۷۷	میشائیل دی آنانگ	با تو خواهم بود
۳۷۹	ترجمه امین عالیمراد	رابینسون کروزو

۳۸۰	ادوارد موریکه	بهار
۴۲۱	نظایم گنجوی	عشق
۴۶۱	جرج تا و نزنند	روایاتی از بیروزی های خدا

فهرست تصاویر

۱۷۰	منظره ای از طبیعت
۳۶۱	جناب بدیع
۳۶۷	ملکه رومانیاً
۳۷۰	محل انعقاد کنفرانس دهلی نو
۳۷۰	جمعی از شرکت کنندگان در کنفرانس نیودهللی با لباسهای محلی
۳۷۱	چهار بهائی تبتی در حضور ایادی امرالله جناب فیضی
۴۸۸	منظره ای از طبیعت

مطالب تاریخی

۳۶۱	بدیع
۴۲۲	برادران ندائی

جدول ها

۴۳	جدول شماره ۱ (جواب هر جدول در همان شماره است)
۹۵	جدول شماره ۳ و ۲
۱۳۵	جدول شماره ۴
۱۷۶	جدول شماره ۵

مسابقه ها

۴۳	مسابقه شماره ۱
۹۵	مسابقه شماره ۳ و ۲
۱۲۶	مسابقه شماره ۴
۱۷۵	معلومات و محفوظات امری خود را بیازمائید
۱۷۶	مسابقه شماره ۵
۱۷۷	جواب مسابقه شماره ۱
۳۸۲	جواب مسابقه شماره ۳ و ۲
۳۸۴	مسابقه این شماره
۴۲۸	جواب مسابقه شماره ۴

صفحه

۴۳۰	مسابقه شماره ۱۰
۴۹۲	معلومات و محفوظات امری خود را بیازمائید
۴۹۳	مسابقه شماره ۱۱ و ۱۲
۴۹۴	جواب معلومات خود را بیازمائید
۴۹۵	فهرست عمومی